

آزمون

فقیه در مقام استنباط حکم شرعی از چه نوع ادله ای کمک می گیرد؟

آمارات و اصول عملیه

یا آمارات یا اصول عملیه

صرف آمارات یا ادله محرزه

یا ادله محرزه یا اصول عملیه

در بحث اصول عملیه، مراد از «قاعده اولیه» و «قاعده ثانویه» هنگام شک در تکلیف شرعی، به ترتیب چیست؟

آنچه شرع به آن حکم می کند - آنچه عقل با قطع نظر از شرع به آن حکم می کند.

آنچه عقل با قطع نظر از شرع به آن حکم می کند - آنچه شرع به آن حکم می کند.

آنچه عقل به آن حکم می کند - آنچه شرع با توجه به حکم عقل به آن حکم می کند.

آنچه شرع با توجه به حکم عقل به آن حکم می کند - آنچه عقل به آن حکم می کند.

وقتی مکلف در تکلیف شرعی شک کند و اثبات یا نفی آن به وسیله ادله محرزه امکان نداشته باشد، نسبت به وظیفه عملی او طبق نظر شرع دو مسلک وجود دارد؛ مسلک قبح عقاب بلا بیان و مسلک حق الطاعة .

درست

نادرست

در بحث قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف، طبق مسلک قبح عقاب بلا بیان، حق طاعت مولی شامل چه تکالیفی است؟

تکالیف معلوم، و برخی تکالیف مشکوک.

هم تکالیف معلوم و هم تکالیف مشکوک.

خصوص تکالیف معلوم، نه تکالیف مشکوک.

همه تکالیف، تا زمان عدم اذن مولی به ترک آن.

در بحث قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف، طبق مسلک حق الطاعة، حق طاعت مولی شامل چه تکالیفی است؟

هر تکلیف مشکوک العدم، مادامی که عقل اذن در خلاف ندهد.

هر تکلیف مشکوک الوجود، مادامی که عقل اذن در خلاف ندهد.

هر تکلیف غیر معلوم العدم، مادامی که مولی اذن در خلاف ندهد.

خصوص تکالیف معلوم الوجود، مادامی که مولی اذن در خلاف ندهد.

قاعده اولیه در هنگام شک در تکلیف، طبق «مسلک قبح عقاب بلا بیان» و «مسلک حق الطاعة» به ترتیب، چیست؟

الاحتیاط - البرائة مالم یؤذن بترکه

البرائة - الاحتیاط ما لم یؤذن بترکه

البرائة مالم یؤذن بترکه - الاحتیاط

الاحتیاط ما لم یؤذن بترکه - البرائة

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در دلیل اول محقق نابینی (ره) بر مسلک قبح عقاب بلا بیان، علت قبیح بودن عقاب در صورت عدم علم به تکلیف چیست؟

قیام دلیل بر امکان استقلال عقل در حکم به عقاب.

- توقف فراغ از عهده حق مولی، بر علم نسبت به تکلیف.
- نبودن مقتضی برای تحرک مکلف نسبت به انجام تکلیف.
- حکم عقل به عدم شمول تکلیف نسبت به موارد مشکوک.
- در دلیل دوم محقق نایینی (ره) بر مسلک قبح عقاب بلا بیان، عرف عقلا در چه صورتی عقاب مأمور را قبیح می دانند؟
- وقتی تکلیف او کفایی باشد.
- وقتی تکلیف به او نرسیده باشد.
- وقتی تکلیف خارج از توان او باشد.
- وقتی تکلیف در حد تحریک او نباشد.
- پاسخ مصنف (ره) به استدلال محقق نایینی (ره) بر مسلک قبح عقاب بلا بیان با تمسک به عرف عقلا، چیست؟
- بنای عقلا در بحث اصول عملیه حجیت ندارد.
- تکلیف مشکوک از شمول حق الطاعة خارج نیست.
- رفتار عقلا نسبت به تکالیف غیر شرعی، روشن و معلوم نیست.
- قیاس حق طاعت خداوند با موالی عرفی، قیاس صحیحی نیست.
- مصنف (ره) در پاسخ به استدلال محقق نایینی (ره) بر مسلک قبح عقاب بلا بیان با تمسک به عرف عقلا، تعیین محدوده «حق ذاتی طاعت خدا» را وظیفه که می دانند؟

عقل

عرف

وجدان

شرع

نتیجه پاسخ مصنف به استدلال های محقق نایینی (ره) بر مسلک قبح عقاب بلا بیان این است که: قاعده اولیه عملی عقلی در هنگام شک در تکلیف، اشتغال است، هر چند شرعا ترخیص در خلاف ثابت شود.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

قاعده ثانویه هنگام شک در تکلیف، طبق نظر مشهور و مصنف (ره)، به ترتیب چیست؟

اشتغال - برائت عقلی

برائت شرعی - اشتغال

برائت عقلی - برائت شرعی

برائت شرعی - برائت شرعی

آیا در مسلک حق الطاعة، اختلاف بین نتیجه قاعده اولیه و قاعده ثانویه در هنگام شک در تکلیف، محذوری دارد؟ چرا؟

بله؛ زیرا حکم شرع نباید مخالف با حکم عقل باشد.

خیر؛ زیرا گاهی عقل از درک مصالح شرعیه عاجز است.

خیر؛ زیرا حکم عقل به اشتغال، از ابتدا مقید به عدم رخصت شارع بوده است.

بله؛ زیرا حکم شرع از حکم عقل نشأت می گیرد لذا نباید اختلافی بینشان باشد.

برای استدلال به آیه «لایكلف الله نفسا الا ما آتاه» برای اثبات برائت شرعیه، طبق مقتضای سیاق آیه قدر متیقن از موصول «مال» است، لذا موجب تخصیص در وارد بوده و مانع از اخذ به جامع می شود .

درست

نادرست

در استدلال به آیه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه» برای اثبات برائت شرعیه، مراد از موصول باید چه چیزی باشد؟

خصوص مال

خصوص فعل

خصوص تکلیف

جامع بین هر سه

نقد شیخ اعظم بر استدلال به آیه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه» برای اثبات برائت شرعی چیست؟

اگر موصول را مال بگیریم؛ استدلال بر برائت مستلزم تکلف است .

اگر موصول را تکلیف بگیریم، استدلال بر برائت مستلزم تکلف است.

اگر موصول را جامع بگیریم، لازم می آید هیأت در دو معنای متغایر استعمال شود .

اگر موصول را جامع بگیریم، استدلال تام می شود، ولی از نظر سیاق امکان ندارد.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

چگونه به آیه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» برای اثبات برائت شرعی استدلال شده است؟

توقف نفی عقاب بر عدم ارسال رسول، علاوه بر شرع مورد تأیید عقلای عالم نیز می باشد.

عذاب نفی شده در آیه اعم از دنیوی و اخروی است و شامل نفی عذاب از تکالیف نیز می شود.

رسول به عنوان مصداق برای بیان در نظر گرفته شده، لذا اثبات می شود عقابی قبل از بیان نیست .

این آیه دلالت دارد بر اینکه خداوند جز در موارد خاص، قبل از بعث رسول، قومی را عذاب نمی کند.
در نقد استدلال به آیه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» برای اثبات برائت شرعی، کدام گزینه صحیح است؟

آیه در مورد برخی از اقوام خاص وارد شده است لذا مفید استدلال نیست.

آیه فقط بر عدم عقاب هنگام عدم وصول بیان در صورت عدم صدور دلالت دارد.

آیه دلالت بر نفی عذاب هنگام عدم صدور بیان دارد، در حالیکه محل بحث عدم وصول است .

آیه درباره نفی عذاب دنیوی است درحالیکه استدلال به آیه اعم از عذاب دنیوی و اخروی است.
استدلال به آیه «قل لا اجد فی ما اوحی الیّ محرّما...» برای اثبات برائت شرعی به چه بیانی است؟

آیه دلالت دارد بر اینکه برای نفی عذاب، عدم وصول کافی است.

آیه دلالت دارد بر اینکه برای احتجاج، حتما باید بیان صادر شود.

از آیه بر می آید که عدم احتجاج رسول، دلالت بر عدم عذاب دارد.

از آیه بر می آید که عدم وجدان، برای تأمین از عذاب کافی است .

آیا استدلال به آیه «قل لا اجد فی ما اوحی الیّ محرّما...» برای اثبات برائت شرعی تام است؟

خیر؛ زیرا آیه اختصاص به نبی دارد و قیاس مکلف به نبی، قیاس مع الفارق است .

بله؛ زیرا تلازم بین نیافتن در محرمات با عدم وجود، به طریق اولی شامل مکلف می شود.

خیر؛ زیرا عدم وجدان در بین محرمات نمی تواند در همه موارد ملازم با عدم وجود باشد.

- بله؛ زیرا دلالت دارد بر اینکه پیدا نکردن حکم و تکلیف، برای امان از عذاب کافی است.
 آیا استدلال به آیه «و ما کان الله لیضلّ قوما... حتی یبین لهم» برای اثبات برائت شرعی تام است؟
 خیر؛ زیرا معنای آیه عدم نفی اضلال در صورت عدم صدور بیان است.
 بله؛ زیرا مراد از اضلال در آن خذلان به معنای طرد از رحمت الهی نیست.
 بله؛ زیرا آیه دلالت دارد بر اینکه با عدم وصول بیان، عقاب و ضلالی نیست.
 خیر؛ زیرا اضلال در آیه به معنای تثبیت گمراهی است نه طرد از رحمت الهی.
 ((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

در استدلال به «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» برای اثبات برائت شرعی، مراد از «اطلاق» چیست؟

- عدم تقیید
 سعه و تأمین
 عدم تخصیص
 شمول و عموم
 در استدلال به «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» برای اثبات برائت شرعی، فرد شاک از چه جهتی نسبت به تکلیف مشکوک در سعه بوده و مؤمن است؟

- از این جهت که ورود نهی، بر او صادق است.
 از این جهت که عدم تکلیف، بر او صادق نیست.
 از این جهت که عدم ورود نهی، بر او صادق است.
 از این جهت که عدم ورود نهی، بر او صادق نیست.
 چرا اگر مراد از «ورود» در «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»، «صدور» باشد، استدلال به آن بر اثبات برائت شرعی تام نیست؟

- زیرا احتمال خطا در نهی واصل شده در هر واقعه، مانع اثبات عموم و شمول برای مکلف است.
 زیرا احتمال خطا در نهی واصل شده در هر واقعه، مانع اثبات اطلاق و تأمین برای مکلف است.
 زیرا احتمال صدور نهی در هر واقعه و عدم وصول آن، مانع اثبات عموم و شمول برای مکلف است.
 زیرا احتمال صدور نهی در هر واقعه و عدم وصول آن، مانع اثبات اطلاق و تأمین برای مکلف است.
 ادعا شده که اگر مراد از «ورود» در «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»، «صدور» باشد برائت شرعی ثابت نمی شود، اما اگر مراد «وصول» باشد، ثابت می شود. آیا این ادعا صحیح است؟

- بله؛ زیرا دلیل بر تعیین معنی «وصول» وجود دارد.
 خیر؛ زیرا دلیلی بر تعیین معنی «وصول» وجود ندارد.
 بله؛ زیرا معنی «وصول» با سعه و تأمین سازگار است.
 خیر؛ زیرا معنی «وصول» با سعه و تأمین سازگار نیست.
 در سیر استدلال به «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» برای اثبات برائت شرعی، عبارت «أن الورد یتضمن معنی الوصول، و لذا یتحتاج الی طرف آخر، و لو کان بمعنی الصدور لم یحتاج الی ذلک» در پاسخ به چه اشکالی ارائه شده است؟

- عدم دلیل بر اینکه مراد از ورود، وصول است.
 عدم دلیل بر اینکه مراد از ورود، صدور است.

تام بودن استدلال، در صورتیکه مراد از «ورود» صدور باشد.

تام نبودن استدلال، در صورتیکه مراد از «ورود» صدور باشد.

در سیر استدلال به «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» برای اثبات برائت شرعی، استناد به: به کار نرفتن تعبیر «حتی یرد الیه نهی» به جای «حتی یرد فیه نهی» در مرسله صدوق، مؤید چه مطلبی در رد استدلال به این مرسله برای اثبات برائت شرعی است؟

اینکه امکان دارد مورد علیه «متعلق نهی» باشد نه «مکلف»، لذا معنی وصول برای ورود ثابت نیست.

اینکه امکان دارد مورد علیه «مکلف» باشد نه «متعلق نهی»، لذا معنی وصول برای ورود ثابت نیست.

اینکه امکان دارد مورد علیه «متعلق نهی» باشد نه «مکلف»، لذا معنی صدور برای ورود ثابت نیست.

اینکه امکان دارد مورد علیه «مکلف» باشد نه «متعلق نهی»، لذا معنی صدور برای ورود ثابت نیست.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد))

آزمون

در چه صورتی لازمه «رفع مالایعلمون» در حدیث رفع، مقید کردن اطلاق ادله احکام واقعی الزامی به حالت علم به آن احکام است؟

وقتی مراد، رفع حقیقی حکم معلوم باشد.

وقتی مراد، رفع ظاهری حکم معلوم باشد.

وقتی مراد، رفع حقیقی حکم مجهول باشد.

وقتی مراد، رفع ظاهری حکم مجهول باشد.

اگر در حدیث رفع، مراد از «رفع مالایعلمون» رفع ظاهری حکم مجهول به معنی عدم وجوب احتیاط در آن، در مقابل وضع ظاهری به معنی جعل وجوب احتیاط به لحاظ حکم مشکوک باشد، این حدیث دلالتی بر اثبات برائت شرعی نخواهد داشت.

درست

نادرست

احتمال اینکه مراد از «رفع مالایعلمون» در حدیث رفع، رفع حقیقی حکم مجهول باشد، موجب شمول آن نسبت به عالم و جاهل به حکم می شود، لذا استدلال بر آن برای اثبات برائت شرعی تام است.

درست

نادرست

اگر گفته شود با امکان اخذ علم به جعل در موضوع مجعول، می توان مرفوع در حدیث رفع را رفع حقیقی حکم مجهول دانست، تا بتوان برائت شرعی را ثابت نمود، پاسخ چیست؟

ظاهر حدیث، رفع را رفع ظاهری می داند، اما این بیان، رفع را رفع حقیقی می داند.

ظاهر حدیث، رفع را رفع حقیقی می داند، اما این بیان، رفع را رفع ظاهری می داند.

ظاهر حدیث، مرفوع را «نفس مالایعلم» می داند، اما این بیان مرفوع را «غیر مالایعلم» می داند.

ظاهر حدیث، مرفوع را «غیر مالایعلم» می داند، اما این بیان، مرفوع را «نفس مالایعلم» می داند.

مراد از «نفس مالایعلم» و «غیر مالایعلم» در رد استدلال به امکان اخذ علم به جعل در موضوع مجعول برای اثبات رفع حقیقی حکم مجهول در حدیث رفع، به ترتیب چیست؟

جعل - جعل

جعل - مجعول

مجعول - جعل

مجعول - مجعول

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

استدلال به وحدت سیاق اسم موصول در فرازهایی از حدیث رفع مانند «ما اضطروا إلیه» و اینکه مراد از آن فعل خارجی است نه خود تکلیف، برای اثبات چیست؟

اختصاص حدیث رفع به شبهه حکمیه.

اختصاص حدیث رفع به شبهه موضوعیه.

عدم دلالت حدیث رفع بر اثبات برائت شرعیه.

شمول حدیث رفع بر شبهه موضوعیه و حکمیه.

در چه صورتی اختصاص حدیث رفع به شبهات موضوعیه نفی می شود؟

وقتی مراد از موصول در فرازهای مختلف آن «شیء» باشد.

وقتی مراد از موصول در فرازهای مختلف آن «حکم» باشد.

وقتی مراد از موصول در فرازهای مختلف آن «فعل خارجی» باشد.

وقتی مراد از موصول در فرازهای مختلف آن «نفس تکلیف» باشد.

اگر ظاهر حدیث رفع این باشد که مراد از «ما لایعلم» همان اسم موصول در فرازهای مختلف آن است، در چه صورتی نسبت عدم علم به موصول صحیح می باشد؟

در صورت تفسیر موصول به تکلیف

در صورت تفسیر موصول به موضوع خارجی

در صورت تفسیر موصول به موضوع مشکوک

در صورت تفسیر موصول به جامع بین تکلیف و موضوع

برای اختصاص حدیث رفع به شبهه حکمیه استدلال شده: اگر اسم موصول در حدیث رفع به موضوع خارجی مانند خمر تفسیر شود، نسبت عدم علم به آن صحیح نیست، زیرا معنا ندارد ذات موضوع خارجی معلوم نباشد، بلکه آنچه معلوم نیست چیزی غیر از اسم موصول، یعنی وصف خمر بودن است.

درست

نادرست

نزد مصنف (ره)، در صورت پذیرش تفسیر موصول در حدیث رفع به «تکلیف»، آیا اختصاص آن به شبهه حکمیه ثابت می شود؟

بله؛ زیرا لازمه تفسیر موصول به تکلیف، اختصاص به شبهه حکمیه است.

خیر؛ زیرا لازمه تفسیر موصول به تکلیف، اختصاص به شبهه حکمیه نیست.

بله؛ زیرا تکلیف به معنای حکم فعلی، فقط در شبهه حکمیه غیر معلوم است.

خیر؛ زیرا تکلیف به معنای حکم فعلی، در شبهه موضوعیه نیز غیر معلوم است.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

شمول حدیث رفع بر شبهه موضوعیه و حکمیه، متوقف بر تصویر جامع بین دو شبهه است تا اینکه موصول در آن به جامع تفسیر شود، و در نتیجه حدیث شامل هر دو شبهه باشد.

درست

نادرست

بر جامع بودن «شیء» برای شمول حدیث رفع بر شبهه حکمیه و موضوعیه اشکال شده است که لازمه آن جمع بین دو اسناد در استعمال واحد است، پاسخ این اشکال چیست؟

اسناد رفع هم در تکلیف و هم در موضوع، حقیقی است، لذا فقط یک اسناد وجود دارد.

اسناد رفع هم در تکلیف و هم در موضوع، مجازی است، لذا فقط یک اسناد وجود دارد.

اسناد رفع هم در تکلیف و هم در موضوع، با توجه به حکم است، لذا فقط یک اسناد وجود دارد.

اسناد رفع هم در تکلیف و هم در موضوع، با توجه به موضوع است، لذا فقط یک اسناد وجود دارد. جامع بودن «تکلیف فعلی» برای تفسیر موصول در حدیث رفع به آن و اثبات دلالت حدیث بر شبهه حکمیه و موضوعیه، با چه ادعایی مطرح شده است؟

تکلیف فعلی در هر دو مشکوک است و احتیاط در هر دو جریان دارد.

تکلیف فعلی در هر دو مشکوک است و فقط در منشأ شک اختلاف دارند.

تکلیف فعلی در هر دو مشکوک است و منشأ شک نیز در هر دو یکی است.

تکلیف فعلی در هر دو مشکوک است و فقط در جریان احتیاط اختلاف دارند.

با توجه به جامع بودن «تکلیف فعلی» برای موصول در حدیث رفع، منشأ شک در شبهه حکمیه و شبهه موضوعیه، به ترتیب چیست؟

عدم العلم بالجعل - عدم العلم بالجعل

عدم العلم بالجعل - عدم العلم بالموضوع

عدم العلم بالموضوع - عدم العلم بالجعل

عدم العلم بالموضوع - عدم العلم بالموضوع

اگر تصویر جامع بین شبهه حکمیه و موضوعیه برای تفسیر موصول به آن ممکن باشد، شمول حدیث رفع بر هر دو شبهه چگونه اثبات می شود؟

با عموم

با قرینه

با اطلاق

با قدر متیقن

اگر تصویر جامع بین شبهه حکمیه و موضوعیه برای تفسیر موصول به آن ممکن باشد، دلالت حدیث رفع بر برائت و نفی وجوب احتیاط در هر دو شبهه ثابت می شود .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

استدلال به روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» بر اثبات برائت شرعی، به چه بیانی است؟

وضع تکلیف از مکلف عبارة اخراى رفع تکلیف از او است.

وضع تکلیف از مکلف عبارة اخراى رفع احتیاط از او است.

وضع تکلیف از مکلف عبارة اخراى وجوب برائت بر او است.

وضع تکلیف از مکلف عبارتۀ اخرای و جوب احتیاط بر او است.
کدام گزینه دربردارنده اشکال بر اثبات برائت شرعی با استناد به «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» است؟

- حجب مختص شبهات حکمیه است، لذا نمی تواند شامل محل بحث باشد که شبهات موضوعیه اند.
 - حجب مختص شبهات موضوعیه است، لذا نمی تواند شامل محل بحث باشد که شبهات حکمیه اند.
 - حجب مختص احکامی است که خدا بیان نکرده، نه احکامی که ملاک آن را برای ما بیان نکرده است.
 - حجب مختص احکامی است که خدا بیان نکرده، نه احکامی که بیان کرده اما به دست ما نرسیده است.
- اگر اشکال شود که استناد حجب به خداوند موجب اختصاص آن به احکامی می باشد که خداوند بیان نکرده است، پاسخ این است که وقتی این استناد به عنوان مشرّع بودن خداوند نباشد، چنین اشکالی پیش نمی آید .
- درست

○ نادرست

کدام گزینه دربردارنده اشکال بر اثبات برائت شرعی با استناد به «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» است؟

- حدیث اختصاص دارد به آنچه بر برخی مخفی است و شامل آنچه همه بندگان در آن شک دارند نمی شود.
 - حدیث اختصاص دارد به آنچه بر همه مخفی است و شامل آنچه برخی بندگان قطع به عدم آن دارند نمی شود.
 - حدیث اختصاص دارد به آنچه بر همه مخفی است و شامل آنچه فقط برخی بندگان در آن شک دارند نمی شود.
 - حدیث اختصاص دارد به آنچه بر برخی مخفی است و شامل آنچه همه بندگان قطع به عدم آن دارند نمی شود.
- مراد از استظهار انحلالیت از حدیث حجب، در پاسخ به اشکال بر اثبات برائت شرعی با این حدیث، چیست؟
- آنچه از این بنده یا آن بنده مخفی مانده، از او برداشته شده است.
 - آنچه بر این بنده نه دیگران مخفی مانده، از او برداشته شده است.
 - آنچه از عنوان کلی بندگان مخفی مانده، از همه برداشته شده است.
 - آنچه از عنوان کلی بندگان مخفی مانده، از برخی برداشته شده است.
- مراد از استظهار انحلالیت از حدیث حجب، در پاسخ به این اشکال که حدیث فقط شامل موارد شک بعضی از بندگان می شود این است که «عباد» به صورت عام مجموعی در نظر گرفته شده است، نه عام استغراقی .
- درست

○ نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

اثبات برائت شرعی با استناد به حدیث «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدأ حتی تعرف الحرام منه بعینه» با چه بیانی صورت گرفته است؟

- حلیت جعل شده واقعی بوده و عبارتۀ اخرای عدم و جوب احتیاط در حالت شک در تکلیف است.
 - حلیت جعل شده واقعی بوده و عبارتۀ اخرای عدم و جوب احتیاط در خصوص شبهه حکمیه است.
 - حلیت جعل شده ظاهری بوده و عبارتۀ اخرای عدم و جوب احتیاط در حالت شک در تکلیف است.
 - حلیت جعل شده ظاهری بوده و عبارتۀ اخرای عدم و جوب احتیاط در خصوص شبهه موضوعیه است.
- همه اصولیون توافق دارند که حدیث «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدأ حتی تعرف الحرام منه بعینه» اختصاص به شبهات حکمیه دارد و شامل شبهات موضوعیه نمی شود .

درست

نادرست

اگر ظاهر «فیه حلال و حرام» در حدیث «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال... حتی تعرف الحرام بعینه» این باشد که منشأ شک در حرمت چیزی، وجود بالفعل دو قسم حلال و حرام برای آن است، چه مطلبی ثابت می شود؟

اختصاص حدیث به شبهه حکمیه

اختصاص حدیث به شبهه موضوعیه

اختصاص حدیث به حلیت ظاهری

اختصاص حدیث به حلیت واقعی

در «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال... حتی تعرف الحرام بعینه» کلمه «بعینه» در صورت حمل بر شبهه حکمیه و موضوعیه، به ترتیب چه نقشی خواهد داشت؟

تأکید صرف - قید توضیحی

قید احترازی - تأکید صرف

قرینه صارفه - قید توضیحی

تأکید صرف - قید احترازی

با توجه به اینکه در حدیث «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال... حتی تعرف الحرام بعینه»، حمل کلمه «بعینه» بر تأکید خلاف ظاهر است، حمل حدیث بر شبهه حکمیه ثابت می شود .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در اثبات برائت شرعی در مثل حرمت تدخین با تمسک به استصحاب، متیقن سابق چیست؟

عدم جعل حرمت در شرایع سابق

عدم جعل حرمت در ابتدای تشریح

عدم وجود موضوع در شرایع سابق

عدم وجود موضوع در ابتدای تشریح

وقتی قبل از بلوغ مکلف، قطعاً حرمتی برای او ثابت نبوده است، با استصحاب آن عدم حرمت تا بعد از بلوغ، می توان برائت شرعی را ثابت نمود .

درست

نادرست

طبق اشکال محقق نایینی (ره)، اثبات برائت شرعی با استصحاب در چه صورتی می تواند صحیح باشد؟

وقتی اثری که مد نظر است، بر همه ثابت شود.

وقتی اثری که مد نظر است، بر فرد ثابت شود.

وقتی اثری که مد نظر است، بر واقع ثابت شود.

وقتی اثری که مد نظر است، بر علم به واقع ثابت شود.

در بحث اثبات برائت شرعی با استصحاب، اثر ایمن بودن از عقاب بر چه چیزی مترتب است؟ به چه دلیل؟

واقع عدم تکلیف؛ به دلیل قاعده قبح عقاب بلا بیان.

عدم علم به تکلیف؛ به دلیل قاعده قبح عقاب بلا بیان .

واقع عدم تکلیف؛ به دلیل لزوم رعایت حق طاعت مولی.

عدم علم به تکلیف؛ به دلیل لزوم رعایت حق طاعت مولی.

حاصل اشکال محقق نایینی (ره) بر اثبات برائت شرعی با استصحاب این است که: با توجه به اینکه عدم علم به تکلیف که موجب ایمن بودن مکلف از عقاب است وجدانا و بدون نیاز به استصحاب ثابت می باشد، لذا اثبات آن با استصحاب، تحصیل حاصل است.

درست

نادرست

پاسخ شهید صدر (ره) به اشکال محقق نایینی (ره) بر تمسک به استصحاب برای اثبات برائت شرعی، کدام است؟

بیان شما مختص استصحاب شرایع سابق است.

بیان شما طبق مسلک حق الطاعة، صحیح نیست.

بیان شما مختص استصحاب در ابتدای تشریح است.

بیان شما طبق قاعده قبح عقاب بلا بیان صحیح نیست.

در پاسخ شهید صدر (ره) به محقق نایینی (ره) در رد تمسک به استصحاب برای اثبات برائت شرعی، دلیل اقوی بودن قبح عقاب بلا بیان در صورت جریان استصحاب و اضعف بودن آن در صورت عدم جریان استصحاب، به ترتیب چیست؟

عدم وصول اذن شارع در مخالفت - وصول اذن شارع در مخالفت

وصول اذن شارع در مخالفت - عدم وصول اذن شارع در مخالفت

عدم امکان اذن شارع در مخالفت - امکان اذن شارع در مخالفت

امکان اذن شارع در مخالفت - عدم امکان اذن شارع در مخالفت

شهید صدر (ره) از بیان اقوی بودن قبح عقاب بلا بیان در صورت جریان استصحاب و اضعف بودن آن در صورت عدم جریان استصحاب، چه پاسخی به رد محقق نایینی (ره) (بر تمسک به استصحاب برای اثبات برائت شرعی می دهد؟

عدم امکان منع از جریان استصحاب شرایع سابق

عدم امکان منع از جریان استصحاب در ابتدای تشریح

عدم لزوم محذور تحصیل حاصل از جریان استصحاب

عدم امکان منع از جریان استصحاب عدم حرمت قبل از بلوغ

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

کدام گزینه دربردارنده اشکال بر ادله برائت شرعی است؟

این ادله اختصاص به علم اجمالی دارند و شامل شک بدوی نمی شوند.

این ادله اختصاص به شک بدوی دارند و شامل علم اجمالی نمی شوند.

با توجه به این ادله، امکان انحلال علم اجمالی فقیه به وجود تکلیف در برخی از شبهات وجود ندارد.

با توجه به این ادله، امکان انحلال علم اجمالی مکلف به وجود تکلیف در برخی از شبهات وجود ندارد.

وقتی فقیه تمام شبهات را ملاحظه نماید، با توجه به اینکه احتمال نمی دهد در هیچ کدام از آنها تکلیف واقعی ثابت نباشد، چه علمی برای او حاصل می شود؟

علم اجمالی به ثبوت تکلیف در بیشتر شبهات.

علم تفصیلی به ثبوت تکلیف در بیشتر شبهات.

علم اجمالی به ثبوت تکلیف در بعضی از شبهات .

علم تفصیلی به ثبوت تکلیف در بعضی از شبهات.

با فرض علم اجمالی فقیه به ثبوت تکلیف در برخی شبهات، و اختصاص ادله برائت شرعی به شبهات بدوی، چه محذوری پیش می آید؟

عدم امکان جریان برائت در شبهات حکمیة.

عدم امکان جریان برائت در برخی از شبهات.

عدم امکان جریان برائت در شبهات موضوعیه.

عدم امکان جریان برائت در هیچ یک از شبهات .

در پاسخ مصنف (ره) به اشکال بر ادله برائت، وقتی فقیه بتواند با تتبع بخشی از تکالیف را به دست آورد، چه نتیجه ای به دنبال دارد؟

علم اجمالی او منحل به علم تفصیلی در آن تکالیف، و شک بدوی در تکالیف دیگر می شود .

علم اجمالی او منحل به شک بدوی در آن تکالیف، و علم تفصیلی در تکالیف دیگر می شود.

علم اجمالی او منحل به علم اجمالی صغیر در آن تکالیف، و علم تفصیلی در تکالیف دیگر می شود.

علم اجمالی او منحل به علم تفصیلی در آن تکالیف، و علم اجمالی صغیر در تکالیف دیگر می شود.
در پاسخ مصنف (ره) به اشکال بر ادله برائت، وقتی فقیه موجب انحلال علم اجمالی او شود، برائت در چه مواردی جاری می شود؟

در تک تک شبهات ایجاد شده نزد فقیه.

در تکالیف باقی مانده در دایره شک بدوی .

در تکالیف باقی مانده در دایره علم تفصیلی.

در تکالیف باقی مانده در دایره علم اجمالی صغیر.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

یکی از اشکالات وارد شده بر ادله برائت این است که نصوص دال بر وجوب احتیاط با این ادله معارضه کرده و صرفاً موضوع آنها را رفع می کنند .

درست

نادرست

نتیجه معارضه نصوص دال بر وجوب احتیاط با ادله برائت، چیست؟

نمی توان برای اثبات برائت به این ادله تمسک نمود .

ادله برائت به دلیل عدم امضا از سوی شارع، مرجوح هستند.

ادله برائت به دلیل مخالفت با عامه، بر ادله احتیاط ترجیح دارند.

در برخی موارد، می توان برای اثبات برائت به این ادله تمسک نمود.

«در صورت دلالت دلیل برائت بر ثبوت برائت هنگام عدم بیان بر تکلیف واقعی، نه وجوب احتیاط» کدام گزینه در مورد ادله وجوب احتیاط صحیح است؟

تکون رافعة للبراءة، لانها مقیّدة بعدم البیان علی وجوب الاحتیاط، و المفروض ثبوتہ .

تکون رافعة للبراءة، لانها مقیّدة بعدم البیان علی وجوب الاحتیاط، و المفروض عدمہ.

تصیر معارضة للبراءة، لانها مقیّدة بعدم البیان علی وجوب الاحتیاط، و المفروض ثبوتہ.

تصیر معارضة للبراءة، لانها مقبّدة بعدم البيان على وجوب الاحتياط، و المفروض عدمه.
«در صورتی که ادله برائت فقط بر ثبوت برائت هنگام عدم بیان بر تکلیف واقعی دلالت کنند» کدام گزینه در مورد ادله وجوب احتیاط، صحیح است؟

تكون رافعة للبراءة، حيث ترفع موضوعها.

تصیر معارضة للبراءة، حيث ترفع موضوعها.

تكون رافعة للبراءة، حيث لا ترفع موضوعها.

تصیر معارضة للبراءة، حيث لا ترفع موضوعها.

نسبت آیه «و ما کنا معدّبین حتّی نبعث رسولا» و «حدیث رفع» با ادله برائت، به ترتیب چیست؟

رافع - رافع

معارض - رافع

رافع - معارض

معارض - معارض

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

آیا دلالت مرسله «من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه» بر وجوب احتیاط تام است؟

بله؛ زیرا نص در وجوب احتیاط می باشد.

بله؛ زیرا لازم حفظ دین را احتیاط می داند.

خیر؛ زیرا به دلیل مرسل بودن ضعیف است.

خیر؛ زیرا فقط دلالت بر رجحان احتیاط دارد.

دلیل عدم دلالت روایت «اخوک دینک فاحتط لدینک بما شئت» بر وجوب احتیاط، چیست؟

با توجه به قرائن خارجی، ظهور در وجوب ندارد.

به دلیل ضعیف بودن سند، قابل استناد نمی باشد.

امر به احتیاط در آن ارشادی بوده و مولوی نیست.

به قرینه تقیید به مشیة، ظهوری در وجوب ندارد.

دلالت روایت «اورع الناس من وقف عند الشبهة» بر وجوب احتیاط تام است، لذا می تواند به عنوان معارض با ادله برائت مطرح شده و مانع اثبات برائت شرعی در موارد شک در تکلیف باشد.

درست

نادرست

آیا دلالت روایت «... لا یسعکم فیما ینزل بکم مما لا تعلمون الا الکف عنه و التثبت و الردّ الی الائمة...» بر وجوب احتیاط و معارضة آن با ادله برائت تام است؟

بله؛ زیرا همانند ادله برائت، دلالت بر توقف قبل از فحص دارد.

بله؛ زیرا بر خلاف ادله برائت، دلالت بر توقف قبل از فحص ندارد.

خیر؛ زیرا دلالت بر توقف قبل از فحص دارد، در حالیکه ادله برائت مشروط به فحص است.

خیر؛ زیرا دلالت بر توقف قبل از فحص دارد، در حالیکه ادله برائت مشروط به فحص نیست.

ادعا شده که روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» دلالت بر وجوب احتیاط دارد، زیرا ورود در شبهه موجب هلاکت بوده و لازمه آن تنجز تکلیف واقعی مشکوک است، که عبارة اخراى وجوب احتیاط می باشد .

درست

نادرست

اشکال مصنف (ره) بر استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» بر وجوب احتیاط چیست؟

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به شک است، در حالیکه در لغت به معنای ظن است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به مشابه است، در حالیکه در لغت به معنی شک است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به شک است، در حالیکه در لغت به معنی مشابه است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به مماثل است، در حالیکه در لغت به معنی شک است.
اختلاف عمده اشکال مصنف (ره) و اشکال دیگران در مورد استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» بر وجوب احتیاط، در چیست؟

پذیرش یا عدم پذیرش تفسیر شبهه، به معنای شک

جاری شدن یا جاری نشدن روایت در موارد علم اجمالی

پذیرش یا عدم پذیرش صحیح بودن سلسله سند روایت

انطباق یا عدم انطباق روایت بر قاعده قبح عقاب بلا بیان

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

آیا دلالت مرسله «من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه» بر وجوب احتیاط تام است؟

بله؛ زیرا نص در وجوب احتیاط می باشد.

بله؛ زیرا لازم حفظ دین را احتیاط می داند.

خیر؛ زیرا به دلیل مرسل بودن ضعیف است.

خیر؛ زیرا فقط دلالت بر رجحان احتیاط دارد.

دلیل عدم دلالت روایت «اخوک دینک فاحتط لدينک بما شئت» بر وجوب احتیاط، چیست؟

با توجه به قرائن خارجی، ظهور در وجوب ندارد.

به دلیل ضعیف بودن سند، قابل استناد نمی باشد.

امر به احتیاط در آن ارشادی بوده و مولوی نیست.

به قرینه تقیید به مشیة، ظهوری در وجوب ندارد.

دلالت روایت «اورع الناس من وقف عند الشبهة» بر وجوب احتیاط تام است، لذا می تواند به عنوان معارض با ادله برائت مطرح شده و مانع اثبات برائت شرعی در موارد شک در تکلیف باشد .

درست

نادرست

آیا دلالت روایت «... لا یسعکم فیما ینزل بکم مما لا تعلمون الا الکف عنه و التثبت و الردّ الی الائمة...» بر وجوب احتیاط و معارضه آن با ادله برائت تام است؟

بله؛ زیرا همانند ادله برائت، دلالت بر توقف قبل از فحص دارد.

بله؛ زیرا بر خلاف ادله برائت، دلالت بر توقف قبل از فحص ندارد.

خیر؛ زیرا دلالت بر توقف قبل از فحص دارد، در حالیکه ادله برائت مشروط به فحص است.

خیر؛ زیرا دلالت بر توقف قبل از فحص دارد، در حالیکه ادله برائت مشروط به فحص نیست. ادعا شده که روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» دلالت بر وجوب احتیاط دارد، زیرا ورود در شبهه موجب هلاکت بوده و لازمه آن تنجز تکلیف واقعی مشکوک است، که عبارة اخرای وجوب احتیاط می باشد.

درست

نادرست

اشکال مصنف (ره) بر استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» بر وجوب احتیاط چیست؟

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به شک است، در حالیکه در لغت به معنای ظن است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به مشابه است، در حالیکه در لغت به معنی شک است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به شک است، در حالیکه در لغت به معنی مشابه است.

استدلال به آن متوقف بر تفسیر شبهه به مماثل است، در حالیکه در لغت به معنی شک است. اختلاف عمده اشکال مصنف (ره) و اشکال دیگران در مورد استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» بر وجوب احتیاط، در چیست؟

پذیرش یا عدم پذیرش تفسیر شبهه، به معنای شک

جاری شدن یا جاری نشدن روایت در موارد علم اجمالی

پذیرش یا عدم پذیرش صحیح بودن سلسله سند روایت

انطباق یا عدم انطباق روایت بر قاعده قبح عقاب بلا بیان

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

استدلال به روایت «... الامور ثلاثة: امر تبين لك رشده فاتبعه، و امر تبين لك غيه فاجتنبه، و امر اختلف فيه فرده الى الله...» بر وجوب احتیاط، با چه بیانی است؟

موارد شک از قسم اول است، که امر به اتباع در آن به معنی امر به احتیاط است.

موارد شک از قسم اول است، که امر به اتباع در آن عبارة اخرای احتیاط می باشد.

موارد شک از قسم سوم است، که امر رد به خداوند و عدم ارتکاب در آن به معنی امر به احتیاط است.

موارد شک از قسم سوم است، که امر رد به خداوند و عدم ارتکاب در آن عبارة اخرای احتیاط می باشد.

اشکال مصنف بر دلالت روایت «... الامور ثلاثة: امر تبين لك رشده فاتبعه، و امر تبين لك غيه فاجتنبه، و امر اختلف فيه فرده الى الله...» بر وجوب احتیاط چیست؟

یقینا مراد از رد به خداوند احتیاط نیست، لذا روایت ربطی به محل بحث ندارد.

احتمال دارد رد به خداوند به معنی احتیاط نباشد، لذا روایت ربطی به محل بحث ندارد.

یقینا مراد از رد به خداوند امر به احتیاط نیست، لذا روایت از جهت دلالت مجمل است.

احتمال دارد رد به خداوند به معنی امر به احتیاط نباشد، لذا روایت از جهت دلالت مجمل است.

با فرض اینکه مراد از رد به خداوند در روایت «... الامور ثلاثة: امر تبين لك رشده فاتبعه، و امر تبين لك غيه فاجتنبه، و امر اختلف فيه فرده الى الله...» احتیاط باشد، آیا دلالت آن بر وجوب احتیاط تام است؟

خیر؛ زیرا با توجه به ادله برائت، موارد شک در تکلیف مصداق «بين الرشد» می شوند.

خیر؛ زیرا با توجه به ادله اشتغال، موارد شک در تکلیف مصداق «بين الرشد» می شوند.

بله؛ زیرا با توجه به ادله برائت، موارد شک در تکلیف مصداق «امر اختلف فیه» می شوند.

بله؛ زیرا با توجه به ادله اشتغال، موارد شک در تکلیف مصداق «امر اختلف فیه» می شوند.
با بررسی روایت «... الامور ثلاثه: امر تبين لك رسته فاتبعه، و امر تبين لك غيه فاجتنبه، و امر اختلف فیه فردة الی الله...» روشن می شود که مصنف (ره) دلالت آن بر وجوب احتیاط را پذیرفته است.

درست

نادرست

با توجه به اینکه همه روایات مورد استناد برای اثبات وجوب احتیاط قابل مناقشه هستند، لذا ادله اثبات برائت شرعی بدون معارض بوده و برائت شرعی در موارد شک در تکلیف ثابت می شود.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

با پذیرش تعارض روایات دال بر وجوب احتیاط با ادله برائت، نتیجه بررسی روایات این است که در برخی موارد ترجیح با ادله برائت بوده، و در برخی دیگر ترجیح با روایات می باشد.

درست

نادرست

با توجه به اینکه ادله برائت قرآنی هستند، نتیجه تعارض روایات وجوب احتیاط با این ادله، چیست؟

تقدم روایات احتیاط؛ زیرا در حد تواتر هستند.

تقدم ادله برائت؛ زیرا دلیل قرآنی متواتر است.

تقدم ادله برائت؛ زیرا دلیل قرآنی قطعی است.

تقدم روایات احتیاط؛ زیرا حاکی از سنت قطعی هستند.

با توجه به اینکه ادله برائت بر خلاف روایات وجوب احتیاط، اختصاص به شبهات بدوی دارند و شامل شبهات مقرون به علم اجمالی نمی شوند، دلیل تقدم ادله برائت بر روایات وجوب احتیاط چیست؟

اعم بودن.

عقلی بودن.

قطعی بودن.

اخص بودن.

هرگاه عامی مخصص داشته باشد، و آن مخصص دارای معارض مکافی باشد، نتیجه چیست؟

جمع عرفی بین دو مخصص، و عام.

تعارض هر دو مخصص، و ترجیح مخصص دوم.

تعارض هر دو مخصص، و ترجیح مخصص اول.

تعارض و تساقط هر دو مخصص، و رجوع به عام.

با توجه به اینکه مقتضای عموم دلیل استصحاب؛ استصحاب عدم تکلیف است، و دلیل وجوب احتیاط که اخص از دلیل استصحاب است با دلیل برائت معارضه می کند، نتیجه چیست؟

ترجیح دلیل وجوب احتیاط بر دلیل برائت، به خاطر متواتر بودن روایات آن.

ترجیح دلیل برائت بر دلیل وجوب احتیاط، به خاطر قرآنی بودن دلیل برائت.

تساقط دلیل و وجوب احتیاط و دلیل برائت، و رجوع به عموم دلیل استصحاب .

تساقط دلیل و وجوب احتیاط و دلیل برائت، و رجوع به اطلاق قواعد باب تعارض.
(کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد)

آزمون

تمسک به برائت هنگام شک در تکلیف، پس از فحص از دلیل تکلیف و دست نیافتن به آن امکان پذیر است .

درست

نادرست

طبق ادعای ارائه شده، چرا اطلاق «رفع مالایعلمون» شامل حالت قبل از فحص از دلیل نیز می شود؟

زیرا قرینه ای بر تخصیص در آن وجود ندارد.

زیرا عدم علم، بر قبل از فحص نیز صادق است .

زیرا تصریح به شرطیت فحص برای رفع نشده است.

زیرا قرینه خارجی بر شرطیت عدم فحص وجود دارد.

آیه «و ما کنا معدّبین حتی نبعث رسولا» با چه بیانی، اطلاق «رفع مالا یعلمون» و شمول آن بر حالت قبل از فحص را رد می کند؟

شرط برائت را واصل شدن فعلی بیان می داند، که لازمه آن فحص است.

شرط برائت را علم اجمالی به عدم بیان می داند، که لازمه آن فحص است.

شرط برائت را در معرض وصول بودن بیان می داند، که لازمه آن فحص است.

شرط برائت را در معرض وصول نبودن بیان می داند، که لازمه آن فحص است .

آیه «و ما کان الله لیضلّ قوما بعد اذ هداهم حتی یبین لهم ما یتقون»، اطلاق «رفع مالا یعلمون» و شمول آن بر حالت قبل از فحص را تأیید می کند .

درست

نادرست

آیا دلیل دال بر وجوب تعلم، می تواند اطلاق «رفع مالایعلمون» و شمول آن بر حالت قبل از فحص را رد کند؟

بله؛ با تقیید اطلاق دلیل برائت و اثبات اینکه شک بدون فحص و تعلم، عذر شرعی نیست .

خیر؛ زیرا موجب اختصاص تکلیف به عالمین، و عدم شمول آن نسبت به جاهلین می شود.

بله؛ با تقیید اطلاق دلیل برائت و اثبات اینکه لازمه رفع تکلیف، علم تفصیلی است نه اجمالی.

خیر؛ زیرا موجب اختصاص برائت به موارد علم اجمالی و عدم شمول آن بر شک بدوی می شود.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد))

آزمون

ضابطه در هر کدام از برائت و اشتغال، به ترتیب چیست؟

شک در تکلیف - شک در تکلیف

شک در تکلیف - شک در مکلف به

شک در مکلف به - شک در تکلیف

شک در مکلف به - شک در مکلف به

در موارد شک در تکلیف، بنابر نظر مشهور و شهید صدر (ره) به ترتیب، چه اصلی جاری می شود؟

فقط برائت عقلی - فقط برائت شرعی

فقط برائت شرعی - برائت شرعی و عقلی

برائت عقلی و شرعی - فقط برائت شرعی

برائت شرعی و عقلی - فقط برائت عقلی

در موارد شک در مکلف به اشتغال جاری می شود، زیرا اصل تکلیف معلوم بوده و امتثال آن مشکوک است، و در چنین مواردی عقل حکم به اشتغال ذمه بر تکلیف می نماید .

درست

نادرست

گزینه صحیح در مورد نوع شک در شبهات حکمی، کدام است؟

همیشه شک در مکلف به است.

معمولا شک در مکلف به است.

همیشه شک در اصل تکلیف است.

معمولا شک در اصل تکلیف است.

دلیل مشتبه شدن تطبیق ضابط در شبهه موضوعیه، چیست؟

اختصاص آن به شک در تکلیف

اختصاص آن به شک در مکلف به

شمول آن بر برائت شرعی و برائت عقلی

شمول آن بر شک در تکلیف و شک در مکلف به

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

برخی قائل شده اند در شبهات موضوعیه اصل تکلیف همیشه معلوم است و در امتثال آن شک می شود، بنابراین برائت در آن جاری نمی شود .

درست

نادرست

پاسخ شهید صدر (ره) به ادعای معلوم بودن دائمی تکلیف در شبهات موضوعیه و عدم جریان برائت در آن، کدام است؟

تکلیف به معنای «مجعول» منجز است، اما به معنای «جعل» در موارد زیادی منجز نیست.

تکلیف به معنای «جعل» منجز است، اما به معنای «مجعول» در موارد زیادی منجز نیست.

تکلیف به معنای «مجعول» معلوم است، اما به معنای «جعل» در موارد زیادی مشکوک است.

تکلیف به معنای «جعل» معلوم است، اما به معنای «مجعول» در موارد زیادی مشکوک است.

با ذکر مثال بیان کنید در شبهات موضوعیه ای که شک در اصل وجود قید موجب شک در فعلیت تکلیف باشد، چه اصلی جاری است؟

برائت؛ مانند شک در غسل با آب و شک در آب بودن مایع دیگر.

اشتغال؛ مانند شک در غسل با آب و شک در آب بودن مایع دیگر.

برائت؛ مانند شک در فعلیت خسوف که موجب شک در فعلیت وجوب نماز است.

اشتغال؛ مانند شک در فعلیت خسوف که موجب شک در فعلیت وجوب نماز است.

در فرض وجوب اکرام عادل و علم به عادل بودن یکی و شک در عادل بودن دیگری، چه اصلی در مورد فرد مشکوک جاری می شود؟

اشتغال؛ زیرا شک در عدالت فرد دیگر، شک در برائت ذمه است.

برائت؛ زیرا شک در عدالت فرد دیگر، شک در بقاء تکلیف سابق است.

اشتغال؛ زیرا شک در عدالت فرد دیگر، شک در بقاء تکلیف سابق است.

برائت؛ زیرا شک در عدالت فرد دیگر، شک در حدوث تکلیف جدید است.

در فرض وجوب غسل با آب، و علم به آب بودن یک مایع و شک در آب بودن مایع دیگر، چه اصلی در مورد مشکوک جاری می شود؟

برائت؛ زیرا شک در آب بودن مایع دیگر، شک در بقاء تکلیف سابق است.

اشتغال؛ زیرا شک در آب بودن مایع دیگر، شک در حدوث تکلیف جدید است.

برائت؛ زیرا شک در آب بودن مایع دیگر، شک در اصل تکلیف است نه شک در امتثال.

اشتغال؛ زیرا شک در آب بودن مایع دیگر، شک در امتثال است نه شک در اصل تکلیف.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

مراد از «شک در تحقق متعلق امر» که یکی از اقسام شک موضوعی می باشد، چیست؟

شک در امتثال با علم به تکلیف، که مجرای اشتغال است.

شک در امتثال با شک در تکلیف، که مجرای برائت است.

شک در امتثال با علم به تکلیف، که مجرای برائت است.

شک در امتثال با شک در تکلیف، که مجرای اشتغال است.

مثال «قربانی کردن و شک در اینکه شارع آن را مسقط امر به عقیقه قرار داده یا نه» و «علم به مسقط بودن قربانی نسبت به امر به عقیقه و شک در اینکه قربانی کرده یا نه» به ترتیب، مصداق چه شبهه ای است؟

شبهه حکمیه - شبهه حکمیه

شبهه حکمیه - شبهه موضوعیه

شبهه موضوعیه - شبهه حکمیه

شبهه موضوعیه - شبهه موضوعیه

در موارد شک در وجود مسقط تکلیف، شیء نمی تواند شرعا مسقط باشد مگر وقتی که عدم آن به عنوان قید در وجوب تکلیف در نظر گرفته شده باشد.

درست

نادرست

اگر اخذ عدم شیء به عنوان قید در وجوب تکلیف، به این معنی باشد که عدم آن به گونه ای است که با وجود مسقط، وجوبی حادث نمی شود، شک در مسقط در این معنی شک در اصل تکلیف می باشد.

درست

نادرست

نظر شهید صدر (ره) در شک در وجود مسقط تکلیف، به این معنی که مسقط به معنی رافع وجوب باشد، چیست؟

فی نفسه مجرای برائت است، اما اشتغال ذمه بر آن تقدم دارد.

فی نفسه مجرای اشتغال است، اما برائت شرعی بر آن تقدم دارد.

فی نفسه مجرای برائت است، اما استصحاب وجوب بر آن تقدم دارد .

فی نفسه مجرای اشتغال است، اما استصحاب وجوب بر آن تقدم دارد.
(کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون ۲۱

قدر متیقن از برائت، جریان آن در چه موردی است؟

موارد شک در کراهت

موارد شک در استحباب

موارد شک در تکلیف الزامی

موارد شک در عموم تکالیف

نظر مشهور در مورد جریان برائت در موارد شک در استحباب یا کراهت چیست؟

جاری است؛ زیرا ادله برائت شامل آن می شود.

جاری نیست؛ زیرا ادله برائت از شمول بر آن قاصر است .

جاری است؛ زیرا ادله حدیث رفع این موارد را تخصیص نمی زند.

جاری نیست؛ زیرا ادله حدیث رفع این موارد را تخصیص می زند.

چرا ادله برائت که مفاد آن سعه و نفی ضیق، و تأمین از عذاب است شامل موارد شک در استحباب یا کراهت نمی شود؟

زیرا در این موارد ضیق و عقابی نیست، لذا تأمین از آن نیز معنی ندارد .

زیرا در این موارد، ضیق و عقاب نسبی است، لذا تأمین از آن معنی ندارد.

زیرا در این موارد، ضیق و عقاب با استناد به حدیث رفع برداشته می شود.

زیرا در این موارد ضیق و عقاب الزامی نیست، لذا تأمین از آن معنی ندارد.

چرا اگر مقصود از «رفع مالا یعلمون» اثبات رخصت در ترک باشد، جریان آن در استحباب مشکوک معنی ندارد؟

زیرا اثبات رخصت در آن ثمره عملی ندارد.

زیرا اثبات رخصت در آن عبث و بیهوده است.

زیرا اثبات رخصت در آن فی نفسه متیقن است .

زیرا اثبات رخصت در آن فی نفسه غیر ممکن است.

اگر مقصود از «رفع مالا یعلمون» عدم رجحان احتیاط باشد، بطلان جریان برائت در کراهت مشکوک روشن است، زیرا احتیاط همیشه دارای رجحان نیست .

درست

نادرست

(کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

به لحاظ حکم عقل، در موارد شک مقرون به علم اجمالی چه بحثی مطرح است؟

مقدار تنجز علم اجمالی

وقوع یا عدم وقوع تنجز

نحوه انحلال علم اجمالی

تنجّز یا عدم تنجّز علم اجمالی

در صورت وجود علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه، و فرض وجوب واقعی ظهر، و قول به تنجّز خصوص نماز ظهر و عدم تمیّز آن برای مکلف، وظیفه مکلف چیست؟

موافقت قطعی، یعنی انجام یکی برای احراز امتثال مافی الذمه.

موافقت قطعی، یعنی انجام هر دو برای احراز امتثال مافی الذمه.

موافقت احتمالی، یعنی انجام هر دو برای احراز امتثال مافی الذمه.

موافقت احتمالی، یعنی انجام یکی برای احراز امتثال مافی الذمه.

در صورت علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه و فرض تنجّز هر دو وجوب، وظیفه مکلف چیست؟

وجوب موافقت قطعی؛ به دلیل حکم شرع.

وجوب موافقت احتمالی؛ به دلیل حکم شرع.

وجوب موافقت قطعی؛ به نفس علم اجمالی.

وجوب موافقت احتمالی؛ به نفس علم اجمالی.

در صورت علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه و فرض وجوب واقعی ظهر، و قول به تنجّز وجوب به مقدار جامع، مخالفت قطعی جایز نیست، و انجام یکی از ظهر یا جمعه کفایت می کند.

درست

نادرست

اتیان یکی از اطراف علم اجمالی، در صورت اشتغال ذمه به جامع بین نماز ظهر و جمعه، چه نامیده می شود؟

مخالفت قطعی

موافقت قطعی

مخالفت احتمالی

موافقت احتمالی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در صورت وجود علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه با فرض وجوب واقعی ظهر، دلیل قائلین به تنجّز هر دو وجوب و لزوم موافقت قطعی، چیست؟

نسبت تعلق تکلیف در هر دو طرف، به یک صورت است.

نسبت احراز امتثال در هر دو طرف، به یک صورت است.

نسبت تنجّز تکلیف در هر دو طرف، به یک صورت است.

نسبت علم به جامع در هر دو طرف، به یک صورت است.

قول صحیح این است که در صورت علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه و فرض وجوب واقعی ظهر، وجوب به مقدار جامع منجّز است، و به خصوص ظهر یا خصوص جمعه سرایت نمی کند.

درست

نادرست

در موارد شک مقرون به علم اجمالی، نتیجه قول به تنجّز به مقدار جامع بنا بر قبح عقاب بلا بیان، چیست؟

الف) حرمت مخالفت قطعی، و وجوب موافقت قطعی

○ حرمت مخالفت احتمالی، و وجوب موافقت قطعی

○ حرمت مخالفت قطعی، نه وجوب موافقت قطعی

○ حرمت مخالفت احتمالی، نه وجوب موافقت قطعی

در موارد شک مقرون به علم اجمالی، طبق قول به تجزیه مقدار جامع بنابر مسلک منجزیه الاحتمال، سبب «حرمت مخالفت قطعی» و «وجوب موافقت قطعی» به ترتیب چیست؟

○ منجزیت احتمالی - منجزیت احتمالی

○ منجزیت احتمالی - منجزیت علم اجمالی

○ منجزیت علم اجمالی - منجزیت احتمالی

○ منجزیت علم اجمالی - منجزیت علم اجمالی

در موارد شک مقرون به علم اجمالی، گزینه صحیح در مورد منجزیت جامع؛ طبق «قاعده قبح عقاب بلا بیان» و هم «منجزیه الاحتمال»، به ترتیب کدام است .

○ ثابت است - ثابت است .

○ ثابت است - ثابت نیست .

○ (ب) ثابت نیست - ثابت است .

○ ثابت نیست - ثابت نیست .

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

نظر مشهور در مورد جریان اصول شرعی در همه اطراف، در موارد شک مقرون به علم اجمالی، چیست؟

○ جریان برائت و اصول مانند آن محال است .

○ جریان برائت و اصول مانند آن ممکن است .

○ جریان برائت محال، و اصول دیگر ممکن است .

○ جریان برائت ممکن، و اصول دیگر محال است .

یکی از ادله مصنف بر عدم استحاله جریان اصول شرعی در همه اطراف علم اجمالی این است که: هر چند لازمه آن ترخیص در مخالفت قطعی می باشد، اما عقل آن را قبیح نمی داند .

○ درست

○ نادرست

آیا مصنف، استحاله جریان اصول شرعی در همه اطراف شک مقرون به علم اجمالی با استناد به حکم عقل به قبح مخالفت قطعیه را می پذیرد؟

○ بله؛ زیرا بین حکم عقل به قبح مخالفت قطعیه، و مؤدای علم اجمالی، هیچ گونه تضادی وجود ندارد .

○ خیر؛ زیرا حکم عقل به قبح مخالفت قطعیه، حکم ظاهری است، در حالیکه مؤدای علم اجمالی، حکم واقعی است .

○ بله؛ زیرا حکم عقل به قبح مخالفت قطعیه، حکمی منجز و مطلق می باشد، بنابراین موضوع حکم عقل محقق است .

○ خیر؛ زیرا حکم عقل معلق بر عدم ترخیص ظاهری شرعی در خلاف است، و با وجود ترخیص، موضوع حکم

عقل از بین می رود .

در بیان استحاله جریان برائت در جمیع اطراف علم اجمالی، دلیل «منافات ترخیص در جمیع اطراف با وجوب واقعی معلوم بالاجمال»، چیست؟

○ عدم موافقت قطعیه

لزوم مخالفت احتمالیه

تضاد بین احکام تکلیفیه

تضاد بین دو حکم ظاهری

پاسخ استحاله جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی با بیان «منافات ترخیص در همه اطراف با وجوب واقعی معلوم بالاجمال» چیست؟

وقتی تنافی وجود دارد که ترخیص واقعی باشد، لذا در اینجا که دو ترخیص ظاهری وجود دارد، تنافی نیست.

وقتی تنافی وجود دارد که ترخیص ظاهری باشد، لذا در اینجا که یک ترخیص واقعی وجود دارد، تنافی نیست.

وقتی تنافی وجود دارد که ترخیص واقعی باشد، لذا در اینجا که یک ترخیص ظاهری وجود دارد، تنافی نیست.

وقتی تنافی وجود دارد که در هر دو طرف یک ترخیص باشد، لذا در اینجا که در یک طرف دو ترخیص وجود دارد، تنافی نیست.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

برخی قائل شده اند اطلاق ادله ای مانند «رفع مالا یعلمون» صلاحیت شمول همه اطراف علم اجمالی را دارد، زیرا واجب واقعی بودن هیچ کدام معلوم نیست، بنابراین برائت شرعی امکان وقوعی دارد.

درست

نادرست

بنابر قول به استحاله ترخیص در مخالفت قطعیه، گزینه صحیح در مورد تطبیق حدیث رفع در هر دو طرف علم اجمالی، کدام است؟

ممکن است؛ زیرا محذوری در پی نخواهد داشت.

ممکن است؛ زیرا تلازمی با مخالفت قطعی ندارد.

ممکن نیست؛ زیرا لازمه آن انحلال علم اجمالی است.

ممکن نیست؛ زیرا لازمه آن ترخیص در مخالفت قطعی است.

بنابر قول به استحاله ترخیص در مخالفت قطعیه، آیا می توان حدیث رفع را فقط بر یکی از اطراف علم اجمالی تطبیق نمود؟

بله؛ زیرا تلازمی با مخالفت قطعیه ندارد.

خیر؛ زیرا لازمه آن مخالفت قطعیه است.

بله؛ زیرا نتیجه آن موافقت احتمالیه است.

خیر؛ زیرا لازمه آن ترجیح بلامرجح است.

در فرض عدم امکان اخذ به برائت شرعی در اطراف علم اجمالی، حکم عقل طبق «منجزیه الاحتمال، تا وقتی اذن شرعی در خلاف ثابت نشود» و «فیح عقاب بلا بیان» به ترتیب، چیست؟

وجوب موافقت قطعی - تنجز جامع و لزوم اتیان همه اطراف

وجوب موافقت قطعی - تنجز جامع و کفایت اتیان یکی از اطراف

کفایت موافقت احتمالی - حرمت مخالفت قطعیه و ترک همه اطراف

کفایت موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی و اتیان همه اطراف

در فرض عدم استحاله ترخیص در مخالفت قطعیه، نتیجه تمسک به اطلاق دلیل برائت شرعی در اطراف علم اجمالی، چیست؟

لزوم موافقت قطعیه

جواز موافقت احتمالیه

عدم مخالفت قطعیه

جواز مخالفت قطعیه

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

نظر مصنف در مورد تمسک به اطلاق دلیل برائت شرعی در اطراف علم اجمالی، حتی در فرض استحاله ترخیص در مخالفت شرعی، چیست؟

امکان تمسک به اطلاق

عدم امکان تمسک به اطلاق

عدم اطلاق برای دلیل برائت

منع عقلی از تمسک به اطلاق

نزد مصنف، ترخیص ظاهری در مخالفت قطعی، عرفاً با تکلیف واقعی معلوم بالاجمال منافات دارد، زیرا غالب اغراض ترخیصی عقلایی از غرض لزومی در حالت علم اجمالی به الزام مهم تر نیستند، این امر موجب تشکیل قرینه لبی متصله می شود که اطلاق ادله اصول را منصرف به مواردی غیر از حالت علم اجمالی می نماید.

درست

نادرست

نزد مصنف، امکان تمسک به اطلاق ادله برائت شرعی در اطراف علم اجمالی وجود ندارد، زیرا علم اجمالی باعث تام بودن بیان در جامع می شود لذا مفهوم آیه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» شامل آن می شود که مقتضی استحقاق عقاب است، و این امر با اطلاق دلیل برائت در هر دو طرف تنافی دارد.

درست

نادرست

نتیجه بررسی ادله برائت طبق مسلک حق الطاعة در موارد شک در اطراف علم اجمالی، چیست؟

فقط لزوم موافقت قطعی، نه حرمت مخالفت قطعی

حرمت مخالفت قطعی و لزوم موافقت احتمالی با هم

فقط حرمت مخالفت قطعی، نه وجوب موافقت قطعی

حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی با هم

مراد از «قاعدة منجزية العلم الاجمالي» در بحث شک در موارد علم اجمالی، چیست؟

قاعده عملی که مقتضی برائت در همه اطراف علم اجمالی است.

قاعده عملی که مقتضی احتیاط در همه اطراف علم اجمالی است.

قاعده عملی که مقتضی احتیاط در برخی اطراف علم اجمالی است.

قاعده عملی که مقتضی برائت در برخی اطراف علم اجمالی است.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

دلیل رکن بودن «وقوف علم بر جامع و عدم سرایت آن به فرد» در «قاعده منجزیت علم اجمالی» چیست؟

اگر سرایت کند، علم تفصیلی بوده و خصوص فرد منجز می شود.

اگر سرایت کند، خصوص فرد امتثال شده و موافقت احتمالی است.
اگر سرایت کند، خصوص فرد منجز شده و موافقت احتمالی است.
اگر سرایت کند، علم اجمالی بوده و خصوص فرد منجز می شود.
طبق قاعده منجزیة علم اجمالی، هر جا علم اجمالی منجز نباشد، به طور حتمی دلیل آن اختلال یکی از ارکان چهارگانه این قاعده است.

درست

نادرست

«کشف خطای علم اجمالی یا حصول شک در آن» موجب اختلال در کدام یک از ارکان منجزیة علم اجمالی است؟ چرا؟

علم به جامع تکلیف؛ زیرا تنجز تکلیف را منتفی می کند.

علم به جامع تکلیف؛ زیرا علم اجمالی را از بین می برد.

وقوف علم بر جامع؛ زیرا تبدیل به علم تفصیلی می شود.

وقوف علم بر جامع؛ زیرا لازمه آن تنجز یک طرف است.

در صورت وجود دو ظرف آب و علم مکلف به نجاست یکی از آن دو، در چه صورتی علم اجمالی به تکلیف از بین رفته و ارکان منجزیة علم اجمالی مختل می شود؟

اشتباه مکلف در خوردن یکی، بنابر پاک بودن ظرف مشتبه فیه

اضطرار مکلف به خوردن یکی، بنابر پاک بودن ظرف مضطرإلیه

اضطرار مکلف به خوردن یکی، بنابر نجس بودن ظرف مضطرإلیه

اشتباه مکلف در خوردن یکی، بنابر نجس بودن ظرف مشتبه فیه

اگر مکلف علم اجمالی به وجوب یکی از دو فعل داشته باشد و اتفاقاً یکی را انجام دهد، علم اجمالی در طرف دیگر به فعلیت می رسد.

درست

نادرست

در صورت اتیان اتفاقی یکی از دو فعل و علم به وجوب یکی، آیا تکلیف اجمالی بر فرد تعلق می گیرد؟ چرا؟

بله؛ زیرا علم اجمالی به ثبوت تکلیف فعلی منعقد می شود.

بله؛ زیرا تمام ارکان علم اجمالی در حق او محقق می شود.

خیر؛ زیرا علم اجمالی به ثبوت تکلیف فعلی منعقد نمی شود.

خیر؛ زیرا رکن علم اجمالی، یعنی علم به جامع از بین می رود.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در فرض علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف، علم تفصیلی به نجاست یکی، کدام رکن علم اجمالی را مختل می کند؟

وقوف علم بر جامع

علم به جامع تکلیف

صلاحیت اطراف برای جریان اصل مؤمن

ترخیص در مخالفت قطعی با جریان اصل مؤمن در همه اطراف

اگر بعد از علم اجمالی به نجاست دو ظرف از ده ظرف، علم به نجاست دو ظرف در شماره ۶ تا ۱۰ حاصل شود، کدام مورد مصداق علم اجمالی است؟

ظرف ۱ تا ۵

ظرف ۶ تا ۱۰

ظرف ۱ تا ۱۰

دو ظرف موجود در ظرف ۶ تا ۱۰

اگر بعد از علم اجمالی به نجاست دو ظرف از ده ظرف، علم به نجاست دو ظرف در شماره ۱ تا ۵ حاصل شود، ظرف ۶ تا ۱۰ مصداق کدام مورد است؟

شک بدوی، که مجرای اصل است.

شک بدوی، که مجرای احتیاط است.

(ب) علم اجمالی کبیر، که مجرای اشتغال است.

(ج) علم اجمالی صغیر، که مجرای اشتغال است.

یکی از شرایط انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر این است که اطراف علم اجمالی صغیر، جزو اطراف علم اجمالی کبیر باشد.

درست

نادرست

کدام گزینه جزو شرایط انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر است؟

موارد معلوم بالاجمال در علم کبیر، غیر از موارد معلوم بالاجمال در علم صغیر باشد.

تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم صغیر، بیشتر از تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم کبیر نباشد.

تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم کبیر، بیشتر از تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم صغیر نباشد.

تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم کبیر، با تعداد موارد معلوم بالاجمال در علم صغیر مساوی باشد.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

کدام گزینه در مورد «جریان استصحاب نجاست در مورد ظرف اول، در فرض علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف» صحیح است؟

موجب انحلال علم اجمالی به معنی زوال ذات آن است.

موجب انحلال علم اجمالی به معنی زوال منجزیت آن است.

موجب تعارض اصل برائت در ظرف دوم، با استصحاب نجاست در ظرف اول است.

موجب معارضه اصل طهارت در ظرف دوم، با استصحاب نجاست در ظرف اول است. وقتی یکی از اطراف علم اجمالی با غیر علم اجمالی منجز شود، چه نوع انحلالی صورت می گیرد؟

انحلال حکمی، به معنی زوال خود علم اجمالی.

انحلال حقیقی، به معنی زوال خود علم اجمالی.

انحلال حکمی، به معنی زوال منجزیت علم اجمالی.

انحلال حقیقی، به معنی زوال منجزیت علم اجمالی.

در بحث اختلال «صلاحیت اطراف علم اجمالی برای جریان اصل مؤمن» مراد از خارج بودن یکی از اطراف از محل ابتلاء مکلف، چیست؟

○ مخالفت با آن نه عرفا و نه عقلا غیر مقدور نباشد.

○ مخالفت با آن هم عرفا و هم عقلا غیر مقدور باشد.

○ مخالفت با آن عقلا غیر مقدور باشد، هر چند عرفا امکان دارد.

○ مخالفت با آن عرفا غیر مقدور باشد، هر چند عقلا امکان دارد.

در دوران امر بین محذورین، دلیل اختلال رکن علم اجمالی با جریان اصل در طرفین، چیست؟

○ منع عقلی ترخیص در موافقت قطعیه

○ لزوم ترخیص عملی در مخالفت قطعی

○ منع عقلایی ترخیص در موافقت قطعیه

○ عدم امکان ترخیص در مخالفت قطعیه

وقتی شبهه محصوره باشد، به دلیل امکان ارتکاب تمام اطراف، اصل در تمام اطراف آن جاری می شود و از آنجا که عملا موجب ترخیص در مخالفت قطعی نیست، موجب اختلال در ارکان علم اجمالی می شود.

○ درست

○ نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

نزد مصنف، در موارد شک بدوی باید دست از قاعده اولیه برائت عقلی کشیده و قاعده ثانوی برائت شرعی را جاری نمود، و در موارد علم اجمالی باید دست از برائت شرعی کشیده و قاعده ثالثه منجزیت علم اجمالی را جاری نمود.

○ درست

○ نادرست

با توجه به اینکه طرفین علم اجمالی باید متباینین باشند، آیا «تردد اجزاء واجب بین اقل و اکثر» مصداق علم اجمالی است؟

○ بله؛ زیرا بین علم اجمالی کبیر در اکثر با علم اجمالی صغیر در اقل تباین وجود دارد.

○ خیر؛ زیرا علم اجمالی کبیر در مقدار اکثر تبدیل به علم اجمالی صغیر در اقل می شود.

○ بله؛ زیرا بین علم تفصیلی به وجوب اقل و شک بدوی در وجوب زاید، تباین وجود دارد.

○ خیر؛ زیرا بازگشت آن به علم تفصیلی در وجوب اقل و شک بدوی در وجوب زاید است.

آیا این ادعا که «در شک بین اقل و اکثر، علم به وجوب نه جزء یا ده جزء وجود دارد، لذا مصداق علم اجمالی می باشد» صحیح است؟

○ بله؛ زیرا کلامی حقیقی است و بین مقدار اقل و اکثر تباین وجود دارد.

○ خیر؛ زیرا کلامی صوری است و بین مقدار اقل و اکثر تباین وجود ندارد.

○ بله؛ زیرا کلامی حقیقی است و با علم به وجوب اکثر، قابل انحلال نیست.

○ خیر؛ زیرا کلامی صوری است و با علم به وجوب اکثر، قابل انحلال است.

پاسخ مصنف به این ادعا که «طرفین علم اجمالی در اقل و اکثر، وجوب نه جزء به صورت مطلق و وجوب نه جزء به صورت مقید است که متباین اند، و علم به وجوب اقل موجب انحلال آن نمی شود» چیست؟

○ بحث در امکان جریان اصل یا عدم آن است، نه وجود یا عدم علم اجمالی.

○ بحث در وجود یا عدم وجود علم اجمالی است، نه انحلال یا عدم انحلال آن.

○ بحث در امکان یا عدم امکان جریان اصل است، نه مطلق یا مقید بودن اقل.

- بحث در انحلال یا عدم انحلال علم اجمالی است، نه تباین یا عدم تباین در آن. نظر مصنف، در بحث «تردد اجزاء واجب بین اقل و اکثر» کدام است؟
- با توجه به وجود علم اجمالی منجز، نسبت به وجوب اکثر برائت جاری می شود.
- با توجه به وجود علم اجمالی منجز، نسبت به وجوب اکثر اشتغال جاری می شود.
- وجوب اقل، موجب انحلال علم اجمالی کبیر در اکثر، به علم اجمالی صغیر در اقل می شود.
- وجوب اقل، موجب انحلال علم اجمالی به علم تفصیلی به اقل و شک بدوی در اکثر می شود.
- ((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در جریان برائت از مشکوک الجزئیة فرقی نیست شک در اصل جزئیت باشد، یا شک در اطلاق جزئیت بعد از علم به اصل جزئیت باشد .

درست

○ نادرست

در صورت علم به جزئیت سوره برای نماز، و شک در شمول آن نسبت به مریض یا اختصاص آن به فرد سالم، در وجوب آن نسبت به مریض چه حکمی جاری می شود؟

○ اشتغال؛ زیرا حق طاعت مولا باید رعایت شود.

○ برائت؛ زیرا از موارد تردد بین اقل و اکثر است.

○ اشتغال؛ زیرا تعلق تکلیف اولیة مفروغ عنه است.

○ برائت؛ زیرا از موارد شک در اصل تکلیف است.

هر یک از موارد «شک در اصل جزئیت» و «شک در اطلاق جزئیت، بعد از علم به اصل آن» به ترتیب، مجرای چه اصلی است؟

برائت - برائت

○ برائت - اشتغال

○ اشتغال - برائت

○ اشتغال - اشتغال

نزد برخی «وجوب جزء بودن سوره هنگام تذکر، و شک در شمول آن نسبت به فرد ناسی»، از موارد دوران امر بین اقل و اکثر است که در آن برائت از شرطیت سوره برای ناسی جاری می شود .

درست

○ نادرست

طبق نظر شیخ اعظم انصاری (ره) در صورت وجوب جزء بودن سوره هنگام تذکر و شک در شمول آن نسبت به فرد ناسی، چه اصلی در حق ناسی جاری می شود؟

○ برائت؛ زیرا از موارد تردد بین اقل و اکثر است.

○ برائت؛ زیرا از موارد شک در اصل تکلیف است.

○ اشتغال؛ زیرا از موارد شک در مسقط تکلیف است.

○ اشتغال؛ زیرا مجرای قاعده منجزیت علم اجمالی است.

○ ((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

مراد از «تعلق امر به فعل و تقیّد» در بحث شک در شرطیّت شیء برای واجب، چیست؟

شک در شرطیّت، بازگشت به علم به ذات فعل و شک در وجوب تقیّد دارد.

شک در شرطیّت، بازگشت به علم به ذات فعل و علم به وجوب تقیّد دارد.

شک در شرطیّت، بازگشت به شک در ذات فعل و شک در وجوب تقیّد دارد.

شک در شرطیّت، بازگشت به شک در ذات فعل و علم به وجوب تقیّد دارد.

در موارد شک در شرطیّت شیء برای واجب، چه اصلی جاری می شود؟ چرا؟

اشتغال؛ زیرا از موارد دوران امر بین متباینین می باشد که مصداق علم اجمالی است.

برائت؛ زیرا از موارد شک در دخیل بودن شرط در تنجّز اصل تکلیف در حق مکلف است.

برائت؛ زیرا از موارد دوران امر بین اقل و اکثر در مقداری است که مولا واجب کرده است.

اشتغال؛ زیرا از موارد شک در مسقط بودن اتیان شیء بدون شرط، نسبت به امر واجب است.

طبق قول به تفصیل در بحث شک در شرطیّت، در «شک در اعتبار دعا هنگام عتق، به صورت قید برای واجب» و

«شک در قید بودن ایمان برای رقبه» در امر به عتق رقبه، به ترتیب برائت جاری می شود یا نه؟

جاری است - جاری است.

جاری است - جاری نیست.

جاری نیست - جاری است.

جاری نیست - جاری نیست.

در صورت شک در قید بودن ایمان برای رقبه در امر به عتق رقبه، از آنجا که مؤمنه بودن رقبه متعلق وجوب نیست، بلکه گاهی اصلاً تحت اختیار مکلف نیست، لذا شک در قیدیت آن، شک در وجوب تقیید بوده و در آن برائت جاری می شود.

درست

نادرست

طبق نظر مصنف، آیا هنگام شک در قیدیت ایمان برای رقبه در امر به عتق رقبه، برائت جاری می شود؟

بله؛ زیرا شک در قیدیت ایمان، شک در تقیید عتق به مؤمن بودن رقبه می باشد که تحت اختیار مکلف است.

خیر؛ زیرا شک در قیدیت ایمان، شک در تقیید عتق به مومن بودن رقبه نمی باشد، لذا تحت اختیار مکلف نیست.

بله؛ زیرا شک در قیدیت ایمان، شک در تقیید عتق به مؤمن بودن رقبه در صورت وجود می باشد و تحت اختیار مکلف است.

خیر؛ زیرا شک در قیدیت ایمان، شک در تقیید عتق به مؤمن بودن رقبه در صورت وجود نیست، لذا تحت اختیار مکلف نیست.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

دوران واجب واحد بین تعیین و تخییر، فقط در صورت شرعی بودن تخییر محتمل پیش می آید.

درست

نادرست

در فرض علم به وجوبی که بین «اکرام زید به هر نوع» یا «اکرام با اهداء کتاب به او» دوران دارد، بین مفهوم «اکرام و اهداء» و مصداق خارجی آن دو، به ترتیب چه نسبتی برقرار است؟

عام و خاص مطلق - تباین

عام و خاص من وجه - تباین

تباين - عام و خاص مطلق

تباين - عام و خاص من وجه

با توجه به اینکه دوران امر بين تخيير و تعيين از موارد علم اجمالی است، آیا امکان تنجز آن در جانب تعيين وجود دارد؟

خير؛ زیرا رکن اول علم اجمالی تام نيست.

بله؛ زیرا علم اجمالی به وجوب ثابت است.

خير؛ زیرا رکن سوم علم اجمالی تام نيست.

بله؛ زیرا تمام ارکان علم اجمالی تام است.

با توجه به اینکه فرض دوران وجوب بين «اکرام زید به هر نوع» یا «اکرام با اهداء کتاب به او» از موارد علم اجمالی است، گزینه صحیح در مورد امکان یا عدم امکان جريان برائت از وجوب تعيينی اهداء، کدام است؟

برائت جاری نيست، زیرا از موارد شک در اصل تکليف نيست.

برائت جاری است، بدون معارضه برائت از وجوب اکرام با آن .

برائت جاری نيست، زیرا موجب ترخيص در مخالفت قطعی است.

برائت جاری است، اما برائت از وجوب اکرام با آن معارضه می کند.

با توجه به اینکه دوران وجوب بين «اکرام زید به هر نوع» یا «اکرام با اهداء کتاب به او» از موارد علم اجمالی است، برائت در تعيين اهداء جاری نمی شود زیرا مراد از آن اثبات عدم استحقاق عقاب برای تارک جامع از جهت مخالفت قطعیه است .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

استصحاب قاعده ای اصولی است که در طریق استنباط قرار می گیرد، بنابراین هر حالتی که ثبوت آن در سابق یقینی باشد هنگام شک در آن، حکم به بقاء آن می شود .

درست

نادرست

کدام مورد جزو ادله مطرح شده برای حجیت استصحاب، نيست؟

روایات

اجماع

سیره عقلائیة

حکم عقل به بقاء، و لو ظنا

اشکال تعريف استصحاب به «الحکم ببقاء ما کان» طبق بیان سید خویی (ره) چیست؟

فقط با اماره بودن استصحاب تناسب دارد.

فقط با اصل بودن استصحاب تناسب دارد .

دلیل حجیت استصحاب را روایات می دهند.

دلیل حجیت استصحاب را سیره عقلاء می دهند.

طبق بیان سید خویی (ره)، اگر استصحاب اماره باشد، تعريف آن چه خواهد بود؟

ابقاء ماكان.

اليقين بالحدوث.

الحكم ببقاء ما كان.

اليقين ببقاء ما ثبت سابقا.

طبق بيان سيد خويي (ره) امکان ارائه تعريفی برای استصحاب که هم با اصل بودن و هم با اماره بودن آن سازگار باشد، وجود ندارد.

درست

نادرست

((کليه حقوق اين اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غير حضوري حوزه هاي علميه خواهران مي باشد))

آزمون

با فرض پذيرش تعريف سيد خويي (ره) از استصحاب بنابر اماره بودن آن، چه اشکالی بر آن وارد است؟

باید شک در بقاء نیز در تعريف اضافه شود.

اماره بر بقاء، يقين به حدوث است نه حدوث.

اماره بر بقاء، حدوث است نه يقين به حدوث.

يقين، موضوع برای حدوث است، نه طريق برای حدوث.

طبق بيان مصنف، با فرض پذيرش بيان سيد خويي (ره) کدام گزینه تعريف استصحاب به نفس اماره است؟

حدوث

حکم به بقاء

يقين به حدوث

حکم به بقاء هنگام شک

طبق بيان مصنف، در فرض وجود حکم ظاهري که بنابر اصل بودن و اماره بودن استصحاب شامل آن شود، گزینه صحيح در تعريف استصحاب چیست؟

فقط باید استصحاب را تعريف به نفس اماره نمود.

می توان استصحاب را تعريف به شک در بقاء نمود.

فقط باید استصحاب را تعريف به حکم به بقاء ماكان نمود.

می توان استصحاب را تعريف به همان حکم ظاهري نمود.

مراد از حالت سابقه در تعريف استصحاب به «مرجعية الحالة السابقة بقاء»، چیست؟

بقاء ما يحدث

کاشفیت حدوث

طريقیت حدوث

يقين به حدوث

با توجه به اینکه در تعريف استصحاب به «مرجعية الحالة السابقة بقاء»، اين مرجعیت فقط بنابر اماره بودن استصحاب وجود دارد، روشن می شود که باید تعريف سيد خويي (ره) را پذيرفت.

درست

نادرست

((کليه حقوق اين اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غير حضوري حوزه هاي علميه خواهران مي باشد))

آزمون ۳۶

قاعده یقین و قاعده مقتضی و مانع، از چه جهت به استصحاب شباهت دارند؟

اختلاف در تعریف

نیاز به یقین و شک

اصل یا اماره بودن

اختلاف در دلیل حجیت

در مورد کسی که یقین دارد صبح وضو گرفته است، هر یک از دو صورت «شک در بقاء وضو هنگام ظهر» یا «شک در گرفتن وضو در صبح» به ترتیب مجرای چیست؟

استصحاب - استصحاب

استصحاب - قاعده یقین

قاعده یقین - استصحاب

قاعده یقین - قاعده یقین

از شک در قاعده یقین، تعبیر به شک ساری می شود، یعنی شکی که به متیقن سرایت می کند .

درست

نادرست

شک در قاعده یقین، ناقض تکوینی یقین سابق است، لذا امکان اجتماع آن با یقین وجود دارد، به خلاف استصحاب که شک در آن حقیقتاً ناقض نیست .

درست

نادرست

با توجه به اینکه «در صورت یقین به تحقق شیء یا در ساعت اول یا ساعت دوم، و شک در ارتفاع آن در ساعت دوم، به وسیله استصحاب، وجود آن در ساعت دوم ثابت می شود» چه مطلبی در مورد استصحاب قابل اثبات است؟

استصحاب همیشه متقوم به یقین سابق نیست.

استصحاب همیشه متقوم به شک در بقاء نیست .

استصحاب همیشه متقوم به شک در حدوث است.

استصحاب همیشه متقوم به شک در زمان یقین است.

طبق نظر مصنف، بیان بهتر در فرق میان استصحاب و قاعده یقین این است که: جریان استصحاب مبتنی بر فراغ از تحقق حالتی است که اثبات آن مد نظر می باشد، اما قاعده یقین اینگونه نیست .

درست

نادرست

گزینه صحیح در مورد متعلق یقین و شک در «قاعده مقتضی و مانع» و «استصحاب» به ترتیب کدام است؟

از جهت ذات مغایر است - از جهت ذات یکی است .

از جهت ذات یکی است - از جهت ذات مغایر است.

از جهت ذات مغایر است - از جهت ذات مغایر است.

از جهت ذات یکی است - از جهت ذات یکی است.

کشف نوعی که در «استصحاب»، «قاعده یقین» و «قاعده مقتضی و مانع» غالباً صورت می گیرد، به ترتیب کدام است؟

حدوث یقین - بقاء یقین - بقاء مقتضی و عدم مانع

بقاء حادث - صحت یقین - تأثیر مقتضی در معلول

یقین سابق - یقین سابق - وجود مقتضی و عدم مانع

بقاء یقین - حدوث یقین - حدوث مقتضی و عدم مانع

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

اگر دلیل حجیت استصحاب «حصول ظن به بقاء» باشد، اشکال کبروی آن چیست؟

دلیلی بر عمومیت این ظن وجود ندارد.

دلیلی بر حجیت چنین ظنی وجود ندارد.

دلیلی بر وجود چنین ظنی در دست نیست.

دلیلی بر عقلایی بودن این ظن وجود ندارد.

اگر دلیل حجیت استصحاب «حصول ظن به بقاء» باشد، اشکال صغروی آن چیست؟

مجرد حالت سابقه، دلالت بر کشف ندارد.

مجرد چنین ظنی، دلیل بر حجیت آن نیست.

مجرد حالت سابقه، افاده ظن به بقاء نمی کند.

مجرد چنین ظنی، دلیل بر عقلایی بودن آن نیست.

ادعای انعقاد سیره عقلانیه بر عمل به استصحاب، چگونه بر افاده ظن توسط استصحاب دلالت می کند؟

از این جهت که عقلا فقط قائل به کاشفیت برخی از طرق ظنی هستند.

از این جهت که عقلا فقط به طرق ظنی عمل می کنند که کاشفیت دارد.

از این جهت که سیره عقلا در عمل به ظن مورد امضای شارع نیز هست.

از این جهت که ردی از سوی شارع نسبت به سیره عقلا وارد نشده است.

پاسخ استناد به سیره عقلا برای اثبات افاده استصحاب بر ظن، با فرض پذیرش سیره چیست؟

احتمال دارد سیره مورد ردع شارع قرار گرفته باشد که به ما نرسیده است.

احتمال دارد سیره بخاطر عدم دقت عقلی باشد نه بخاطر کاشف بودن آن.

احتمال دارد سیره بخاطر عمل به ظن نباشد بلکه بخاطر سهل انگاری باشد.

احتمال دارد سیره بخاطر انس به حالت سابقه باشد نه بخاطر کاشف بودن آن.

انعقاد سیره غالب مردم در اخذ به حالت سابقه مورد قبول است، اما ثابت نشده که بخاطر تعبد بر بناء بر حجیت حالت

سابقه باشد، بلکه احتمال دارد بخاطر اطمینان به حالت سابقه، یا عادت باشد که موجب غفلت از احتمال از بین رفتن

حالت سابقه است.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

دلیل عمده برای اثبات حجیت استصحاب، سیره عقلا است، هر چند برخی از علما روایاتی را نیز به عنوان دلیل بر

حجیت استصحاب ذکر کرده اند.

درست

نادرست

یکی از روایات مورد استناد برای اثبات حجیت استصحاب، فراز: «و لا تنقض الیقین بالشک، و إنما تنقضه بالظن» از صحیح زراره است.

درست

نادرست

چه امری باعث شده به روایت «... و لا تنقض الیقین ابدأ بالشک...» اشکال شود که گذاشتن بناء بر شک، نمی تواند ناقض یقین باشد؟

اتحاد ذاتی متعلق یقین و متعلق شک

تعلق یقین به بقاء، و تعلق شک به حدوث

تعلق یقین به حدوث، و تعلق شک به بقاء

تعلق یقین و شک به موضوع واحد در حکم

چرا در «قاعده یقین»، «شک» ناقض حقیقی و تکوینی «یقین» است؟

زیرا متعلق یقین و شک، فقط ذاتا وحدت دارند.

زیرا متعلق یقین و شک، فقط زمانا وحدت دارند.

زیرا متعلق یقین و شک، ذاتا و زمانا وحدت دارند.

زیرا متعلق یقین و شک، نه ذاتا و نه زمانا وحدت ندارند.

در پاسخ این اشکال که در روایت «... و لا تنقض الیقین ابدأ بالشک...» گذاشتن بناء بر شک نمی تواند ناقض یقین باشد، چگونه صحت اسناد نقض یقین به شک ثابت می شود؟

با استناد به نظر عرف به وحدت متعلق یقین و شک از جهت ذات، و الغاء حیثیت زمان.

با استناد به نظر عرف به وحدت متعلق یقین و شک از جهت حکم، و الغاء حیثیت زمان.

با استناد به نظر عرف به وحدت متعلق یقین و شک از جهت ذات، و اعمال حیثیت زمان.

با استناد به نظر عرف به وحدت متعلق یقین و شک از جهت حکم، و اعمال حیثیت زمان.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

کدام گزینه در مورد «إلا» در «وإلا فإنه علی یقین من وضوئه و لا ینقض الیقین بالشک» در استناد به روایت برای اثبات حجیت استصحاب مد نظر است؟

کلمه واحده بوده و زائد در کلام است.

مرکب از «إن» وصلیه و کلمه «لا» است.

مرکب از «إن» شرطیه و کلمه «لا» است.

کلمه واحد بوده و همان «إلا» استثنائیه است.

در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه...» جزای شرط می تواند «فلا یجب علیه الوضوء» مقدر باشد که در اینصورت «فإنه علی یقین...» تعلیل برای جزاء محذوف می باشد.

درست

نادرست

کدام گزینه از اشکالات وارد شده بر تقدیر «فلا یجب علیه الوضوء» به عنوان جزای شرط در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه...» است؟

تقدیر بر خلاف اصل است .

عرف این تقدیر را نمی پذیرد .

جمله جزاء با شرط تناسب ندارد .

جمله جزاء نمی تواند مقدر باشد .

پاسخ اشکال لزوم تکرار از تقدیر «فلا یجب علیه الوضوء» به عنوان جزای شرط در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه...»، چیست؟

هرچند تکرار مرکب از تصریح و تقدیر محذور دارد، اما در این مورد استثناءً مورد قبول است .

تکرار مرکب از تصریح و تقدیر محذوری ندارد، زیرا به دلیل حذف یکی، تکرار حقیقی نیست .

تکرار مردد بین تصریح و تقدیر محذوری ندارد، زیرا عقل آن را مصداق تکرار حقیقی نمی داند .

تصریح به عدم وجوب وضو به قرینه «لا»، دلیل بر عدم محذور برای تکرار در این مورد است .

مصنف بر اینکه در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه...» جزای شرط؛ «فإنه علی یقین من وضوئه» باشد، و جزا حمل بر انشاء شود، چه اشکالی را وارد می داند؟

در اینصورت تطبیق روایت بر استصحاب امکان ندارد .

تقدیر خلاف اصل بوده در نتیجه نیاز به ذکر قرینه است .

حمل جمله خبریه بر انشاء، خلاف ظهور عرفی آن است .

در اینصورت رابطه ای بین جمله شرط و جزاء وجود ندارد .

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه ولا تنقض الیقین ابدًا بالشک» جزای شرط می تواند «و لا ینقض الیقین بالشک» باشد که در اینصورت «فإنه علی یقین من وضوئه» تمهید جزاء، یا متمم شرط است .

درست

نادرست

مصنف بر اینکه در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه ولا تنقض الیقین ابدًا بالشک» جزای شرط؛ «و لا ینقض الیقین بالشک» باشد، چه اشکالی وارد می کند؟

متمم با جزاء تناسب ندارد .

جزاء با «و او» تناسب ندارد .

متمم با جزاء رابطه ای ندارد .

تمهید با جزاء رابطه ای ندارد .

مصنف کدام یک از احتمالات را به عنوان جزاء شرط در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه ولا تنقض الیقین ابدًا بالشک» می پذیرد؟

«فإنه علی یقین من وضوئه»

«و لا ینقض الیقین بالشک»

«فلا یجب علیه الوضوء» مقدر

«فإنه علی یقین من وضوئه» مقدر

با توجه به فعلی نبودن یقین واقعی به وضو، ظهور جمله «فإنه علی یقین من وضوئه» در فعلیت یقین، قرینه بر چیست؟

حمل جمله بر انشاء یقین فعلی

حمل جمله بر انشاء یقین تعبدی

ظهور جمله در فعلیت یقین تعبدی

ظهور جمله در فعلیت یقین سابق

طبق بیان مصنف، وقتی جزاء در «و إلا فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدًا بالشک»، «فلا یجب علیه الوضوء» مقدر باشد، کدام گزینه در مورد فقره «فإنه علی یقین من وضوئه» که ظهور در یقین فعلی دارد، صحیح است؟

باید حمل شود بر انشاء یقین تعبدی، نه یقین واقعی.

باید حمل شود بر انشاء یقین واقعی، نه یقین تعبدی.

باید حمل شود بر اخبار از یقین تعبدی، نه یقین واقعی.

باید حمل شود بر اخبار از یقین واقعی، نه یقین تعبدی.

در روایت «... و إلا فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدًا بالشک» از آنجا که ظهور «فإنه علی یقین من وضوئه» در خبر بودن اقوی از ظهور آن در فعلیت یقین است، لذا مفاد روایت این می شود: اگر یقین به خواب نداشته باشد وضو بر او واجب نیست، زیرا یقین به وضو داشته است و بعد از آن شک نموده، و یقین با شک نقض نمی شود.

درست

نادرست

((کلید حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون ۴۱

دلیل این ادعا که «... فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدًا بالشک» نظر به قاعده مقتضی و مانع دارد نه استصحاب، چیست؟

تعلق یقین به وضو به معنای طهارت، نه غسلات و مسحات

تعلق یقین به خود طهارت و تعلق شک به حدوث مانع از طهارت

تعلق یقین به مقتضی طهارت و تعلق شک به حدوث مانع طهارت

امکان بقاء برای وضو، هر چند مراد از آن غسلات و مسحات باشد.

با توجه به اینکه وضو در معنی طهارت که دارای استمرار است هم به کار می رود، و با توجه به اینکه «و لا ینقض الیقین بالشک» ظهور در وحدت متعلق یقین و شک دارد، باید روایت «... فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدًا بالشک» را ناظر به استصحاب دانست.

درست

نادرست

اگر در «... فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدًا بالشک»، «ال» در «الیقین» عهد باشد، مراد از آن چیست؟ و چه اثری دارد؟

جنس یقین - عموم روایت بر غیر وضو

جنس یقین - اختصاص روایت به وضو

خصوص یقین به وضو - اختصاص روایت به وضو

خصوص یقین به وضو - عموم روایت بر غیر وضو

در چه صورتی لازمه «فإنه علی یقین من وضوئه» حمل روایت بر طبیعی یقین و شک بوده و اشکال اختصاص روایت به وضو پاسخ داده می شود؟

وقتی ظهور در تعلیل به امر عرفی ارتکازی داشته باشد.

- وقتی موجب تردد در انعقاد اطلاق برای جنس یقین باشد.
- وقتی ظهور در امر تعبدی به بناء بر وضوء سابق داشته باشد.
- وقتی موجب تردد در اراده معنی عهد از «ال» در الیقین باشد.
- با فرض پذیرش عهد بودن «ال» در «...فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدا بالشک» در چه صورتی قید «من وضوئه» موجب اطلاق کلمه یقین، و عدم اختصاص روایت به وضو می شود؟
- قید برای «علی یقین» باشد، یعنی «فإنه علی یقین من وضوئه»
- قید برای کلمه «الیقین» باشد، یعنی «فإنه علی یقین من وضوئه»
- قید برای «کون» مقدر باشد، یعنی «فإنه کائن من ناحیه الوضوء علی یقین»
- قید برای «یقین» مقدر باشد، یعنی «فإنه متیقن تعبداً من ناحیه الوضوء السابق»
- با توجه به اینکه یقین در «...فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین ابدا بالشک» مطلق نبوده و اختصاص به وضو دارد، لذا طبق مبنای مصنف، استدلال به این روایت برای اثبات حجیت استصحاب تام نیست.
- درست
- نادرست
- ((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد))

آزمون

- کدام گزینه جزو ارکان استصحاب نیست؟
- شک در بقاء
- یقین به حدوث
- وجود قضیه مشکوک و متیقن
- ترتیب اثر بر باقی بودن حالت سابقه
- با توجه به «و لا تنقض الیقین ابدا بالشک» رکن اول استصحاب (یقین به حدوث) ثابت می شود، زیرا مجرد حدوث شیء برای استصحاب آن کافی نیست، بلکه باید متیقن نیز باشد.
- درست
- نادرست
- «جریان استصحاب در صورت وجود اماره بر نجاست سابق شیء، و شک در بقاء فعلی آن» چه اشکالی بر استصحاب وارد می کند؟
- با اینکه شک در بقاء وجود ندارد، اما استصحاب جاری است.
- با اینکه حدوث سابق یقینی نیست، اما استصحاب جاری است.
- با اینکه بقاء حالت سابقه اثری ندارد، اما استصحاب جاری است.
- با اینکه قضیه مشکوک و متیقن یکی نیست، اما استصحاب جاری است.
- محقق نائینی (ره) جریان استصحاب در صورت وجود اماره بر حدوث را این گونه توجیه کرده است که اماره جای قطع طریقی را گرفته، زیرا یقین شرط استصحاب است لذا قطع در آن طریقی بوده و اماره جای آن را می گیرد.
- درست
- نادرست
- در فرض انکار رکن بودن یقین به حدوث، و جریان استصحاب با وجود اماره بر حدوث، یقین به چه نحوی در لسان دلیل استصحاب اخذ شده است؟
- عنوان مشیر به بقاء

عنوان مشیر به شک

عنوان مشیر به یقین

عنوان مشیر به حدوث

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

با توجه به فقره «و لکن انقضه بیقین آخر» مراد از شک در بحث ارکان استصحاب، چیست؟

مطلق تردد، لذا شامل ظن نمی شود.

مطلق عدم علم، لذا شامل ظن نیز می شود.

شک قریب به یقین، لذا شامل گمان نمی شود.

شک قریب به یقین، لذا شامل ظن نیز می شود.

اگر مکلف یقین به حدث داشته باشد و شک در بقاء آن کرده و با شک نماز بخواند، حکم نماز او چیست؟

صحیح است؛ زیرا شک او تقدیری بوده و ارکان استصحاب حدث تام نیست.

باطل است؛ زیرا شک او فعلی نیست لذا قاعده فراغ مانع جریان استصحاب است.

باطل است؛ زیرا شک او فعلی است و استصحاب حدث در حق او جاری می شود.

صحیح است؛ زیرا شک تقدیری که بعد از عمل ایجاد شود مجرای قاعده فراغ است.

اگر مکلف بعد از یقین به حدث، غافل شده و با غفلت نماز بخواند، بعد شک کند آیا هنگام نماز حدث باقی بوده یا نه، حکم نماز او چیست؟

باطل است؛ زیرا به دلیل فعلی بودن شک، استصحاب تام بوده و قاعده فراغ جاری نیست.

صحیح است؛ زیرا به دلیل فعلی بودن شک، استصحاب تام نبوده و قاعده فراغ جاری است.

باطل است؛ زیرا به دلیل تقدیری بودن شک، استصحاب تام بوده و قاعده فراغ جاری نیست.

صحیح است؛ زیرا به دلیل تقدیری بودن شک، استصحاب تام نبوده و قاعده فراغ جاری است.

مراد از تقدیری بودن شک در «یقین مکلف به حدث و خواندن نماز با غفلت، و شک در اینکه هنگام نماز حدث باقی بوده یا نه» چیست؟

یعنی اگر ملتفت می شد، شک او در بقاء از بین می رفت.

یعنی اگر شک او در بقاء از بین می رفت، ملتفت می شد.

یعنی اگر ملتفت می شد، شک در بقاء برای او حاصل می شد.

یعنی اگر برای او شک در بقاء حاصل می شد، ملتفت می شد.

نزد مصنف، قول صحیح این است که بحث از فعلی یا تقدیری بودن شک در استصحاب، ثمره دارد و باعث می شود در صورت عدم جریان استصحاب در فرض یقین مکلف به حدث و خواندن نماز با غفلت و شک در اینکه هنگام نماز حدث او باقی بوده یا نه، قاعده فراغ جاری شود.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

مراد از وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه در استصحاب، چه نوع وحدتی است؟

○ وحدت در حکم

○ وحدت در زمان

○ وحدت در قیود

○ وحدت در ذات

زوال تغیر آبی که نجاست آن یقینی بوده است، موجب اختلال در کدام یک از ارکان استصحاب می شود؟

○ شک در بقاء

○ یقین به حدوث

○ ترتب اثر بر بقاء حالت سابقه

○ وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه

بر جریان استصحاب در شبهات موضوعیه اشکال می شود که اگر موضوع با تمام قیودی که دارد باقی باشد، اصلاً امکان عارض شدن شک در بقاء وجود ندارد، لذا حتماً باید برخی از قیود تغییر کند، و اگر قیود تغییر کنند، وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه مختل می شود .

○ درست

○ نادرست

قیود عرفی حکم بر دو قسم است؛ قیود مقوم موضوع که حیثیت تقییدیه نام دارد، و غیر مقوم موضوع که حیثیت تعلیلیه نام دارد .

○ درست

○ نادرست

در صورت اختلال هر یک از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه»، به ترتیب استصحاب جاری می شود یا خیر؟

○ جاری می شود - جاری می شود

○ جاری نمی شود - جاری می شود

○ جاری می شود - جاری نمی شود

○ جاری نمی شود - جاری نمی شود

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد))

آزمون

اگر شرط جریان استصحاب این باشد که مستصحب؛ حکم شرعی یا موضوع حکم شرعی باشد، چرا در غیر این دو مورد، جاری نمی شود؟

○ زیرا ترتب اثر عملی یعنی؛ تنجیز و تعذیر بر آن معنایی ندارد.

○ زیرا یقین به حدوث و شک در بقاء، در آن مختل خواهد شد.

○ زیرا رکن وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه، مختل خواهد شد.

○ زیرا ربطی به شارع نخواهد داشت و تعبد به آن معنایی ندارد .

اگر شرط جریان استصحاب این باشد که مستصحب؛ حکم شرعی یا موضوع حکم شرعی باشد، لازمه آن عدم جریان استصحاب در شرایط واجب است، زیرا شرایط واجب؛ نه حکم شرعی هستند و نه موضوع حکم شرعی .

○ درست

○ نادرست

اگر شرط جریان استصحاب، ترتب اثر عملی بقاء باشد، آیا استصحاب در «عدم تکلیف» جاری می شود؟

بله؛ زیرا اثر معذرت بر آن مترتب است .

خیر؛ زیرا اثر معذرت بر آن مترتب نیست .

بله؛ زیرا حکم یا موضوع حکم شرعی است .

خیر؛ زیرا حکم یا موضوع حکم شرعی نیست .

جریان استصحاب طهارت توسط امام (ع) در «و الا فانه علی یقین من وضوئه» که نه حکم شرعی است و نه موضوع حکم شرعی، دلالت دارد بر این که مراد از ترتب اثر بر استصحاب، این است که شرط جریان استصحاب صلاحیت ترتب اثر عملی بر آن بقاء می باشد که همان تجزیه یا تعذیر است .

درست

نادرست

مراد از ترتب اثر بر مستصحب، در بحث ارکان استصحاب، چیست؟

ترتیب اثر در مرحله حدوث، نه ترتیب اثر در مرحله بقاء

ترتیب اثر در مرحله حدوث، یا ترتیب اثر در مرحله بقاء

ترتیب اثر در مرحله بقاء، هر چند در مرحله حدوث ثابت نباشد .

ترتیب اثر در مرحله حدوث، هر چند در مرحله بقاء ثابت نباشد .

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

مفاد «لا تتقض الیقین بالشک» نهی از چه نوع نقضی است؟

نقض عملی

نقض تنزیلی

نقض حقیقی

نقض تکلیفی

مفاد «لا تتقض الیقین بالشک» ارشاد به این است که آنچه به آن یقین داشتی و در بقاء آن شک داری، تکلیفاً آن را نازل منزله باقی قرار بده .

درست

نادرست

با توجه به مفاد «لا تتقض الیقین بالشک»، اگر مستصحب؛ «حکم» یا «موضوع حکم» باشد، تنزیل آن به منزله باقی، به ترتیب به چه معنی خواهد بود؟

تعبد به حکم آن - تعبد به حکم آن

تعبد به حکم آن - تعبد به بقاء حکم

تعبد به بقاء حکم - تعبد به حکم آن

تعبد به بقاء حکم - تعبد به بقاء حکم

مستصحب در «استصحاب حیات زید برای اثبات رویدن محاسن که موضوع وجوب تصدق است» چیست؟

حکم شرعی

موضوع حکم شرعی

لازم شرعی که موضوع حکم شرعی است .

لازم غیر شرعی که موضوع حکم شرعی است .

نزد مشهور، استصحاب حیات زید برای اثبات روییدن محاسن که موضوع وجوب تصدق است، هیچ محذوری ندارد .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

به نظر هریک از شیخ انصاری (ره) و محقق نائینی (ره) به ترتیب، استصحاب در چه موردی جاری است؟

شک در رافع - شک در رافع

شک در مقتضی - شک در رافع

شک در رافع - شک در مقتضی

شک در مقتضی - شک در مقتضی

«شک در سرزدن حدث، برای نقض طهارت که بنفسه اقتضای استمرار دارد» و «شک در روشن ماندن شمع، حتی بدون وزیدن باد» به ترتیب، مثال برای چه نوعی از شک هستند؟

شک در رافع - شک در رافع

شک در رافع - شک در مقتضی

شک در مقتضی - شک در رافع

شک در مقتضی - شک در مقتضی

با توجه به اینکه مقتضای اطلاق دلیل استصحاب، حجیت آن در شک در مقتضی و شک در رافع است، قائلین به اختصاص استصحاب به شک در رافع، باید برای ادعای خود دلیل اقامه کنند .

درست

نادرست

دلیل قائلین اختصاص استصحاب به شک در رافع چیست؟

شک در مقتضی، ثمره عملی بقاء ندارد.

شک در مقتضی، منتهی به اصل مثبت است.

در شک در مقتضی، متیقن قابل نقض نیست .

شک لاحق، در شک در مقتضی، امکان ندارد.

پاسخ دلیل قائلین به اختصاص استصحاب به شک در مقتضی این است که: نقض به متیقن نسبت داده نشده، بلکه به خود یقین نسبت داده شده است که مستحکم بوده و امکان نقض آن وجود دارد .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

استدلال کسانی که قائل اند استصحاب، اختصاص به شک در رافع دارد، در کدام گزینه ذکر شده است؟

در شک در مقتضی، بین یقین و شک خصوصیت زمان مد نظر می باشد.

در شک در مقتضی، بین یقین و شک خصوصیت زمان مد نظر نمی باشد.

در شک در مقتضی، متعلق یقین و شک، نه حقیقتا و نه مجازا یکی نیست .

در شک در مقتضی، متعلق یقین و شک، هم حقیقتاً و هم مجازاً یکی است.
نزد قائلین به اختصاص استصحاب به شک در رافع، در کدام مورد متعلق یقین و شک، حقیقتاً یکی است؟

شک در یقین، در قاعده یقین

شک در یقین، در قاعده لاضرر

شک در طهارت با یقین به حدوث آن، در قاعده طهارت

شک در طهارت با عدم یقین به حدوث آن، در قاعده طهارت

از جمله موارد اتحاد مجازی متعلق یقین و شک، شک در بقاء طهارت در صورت یقین به حدوث آن می باشد، لذا طبق نظر قائلین به اختصاص استصحاب به شک در رافع، استصحاب در مورد آن جاری است .

درست

نادرست

با توجه به اینکه برای وحدت بین متعلق یقین و شک، وحدت ذاتی با تجرید خصوصیت زمان کفایت می کند، لذا استصحاب در شک در مقتضی نیز حجت است .

درست

نادرست

به نظر مصنف، استصحاب در چه موردی جریان داشته و حجت است؟

فقط در شک در رافع، نه در شک در مقتضی

فقط در شک در مقتضی، نه در شک در رافع

هم در شک در مقتضی، و هم در شک در رافع

معمولاً در شک در رافع، و گاهی در شک در مقتضی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواران می باشد))

آزمون

در «شک در بقاء جعل، به خاطر احتمال نسخ» و «شک در بقاء مجعول، با فرض تحقق آن» به ترتیب، چه استصحابی جاری است؟

بقاء جعل - بقاء جعل

بقاء مجعول - بقاء جعل

بقاء جعل - بقاء مجعول

بقاء مجعول - بقاء مجعول

در صورت علم به قضیه شرطیه «ان هذا العنب اذا غلی یحرم» و تبدیل آن به کشمش، و شک در اینکه «آیا اگر بجوشد، مانند انگور حرام می شود؟» متعلق شک چیست؟

بقاء جعل

بقاء مجعول

بقاء قضیه شرطیه

بقاء جعل و مجعول

دلیل قائلین به جریان استصحاب حکم معلق چیست؟

در آن، هم جعل و هم مجعول هر دو متیقن می باشند.

در آن، اثر شرعی بر تحقق موضوع در خارج مترتب است.

قضیه شرطیه در آن، حدوثاً؛ متیقن، و بقاء؛ مشکوک است.

قضیه شرطیه در آن، حدوثاً؛ مشکوک، و بقاء؛ متیقن است.

نام دیگر استصحاب حکم معلق، چیست؟

اصل مثبت

استصحاب تعلیقی

استصحاب تدریجی

استصحاب قهقراپی

دلیل محقق نائینی (ره) بر عدم جریان استصحاب حکم معلق این است که در آن؛ بقاء جعل مشکوک نبوده و حدوث مجعول یقینی نیست، و حرمت به صورت قضیه شرطیه، امری است که از جعل حرمت بر موضوع مقدر الوجود انتزاع می شود، و اثری در تعبد به آن وجود ندارد.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

در بحث استصحاب، مراد از اشیاء «قار» و «تدریجی» به ترتیب، چیست؟

توجد و تبقی - توجد و تنعدم بالمرّة

توجد و تبقی با استمرار - توجد و تبقی

توجد و تبقی - توجد و تبقی با استمرار

توجد و تبقی با استمرار - توجد و تنعدم بالمرّة

گزینه صحیح در مورد جریان استصحاب در امور «قار» و «تدریجی» به ترتیب، کدام است؟

محل اختلاف است - محل اختلاف است.

اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد - محل اختلاف است.

محل اختلاف است - اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد.

اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد - اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد.

نزد قائلین به عدم جریان استصحاب در امور تدریجی، چه ارکانی از استصحاب فراهم نیست؟

یقین به حدوث، و شک در بقاء

شک در بقاء، و ترتیب اثر بر بقاء حالت سابقه

شک در بقاء، و وحدت قضیه مشکوک و متیقنه

یقین به حدوث، و وحدت قضیه مشکوک و متیقنه

دلیل قائلین به عدم جریان استصحاب در امور تدریجی مثل زمان، چیست؟

عدم وجود ترتیب اثر بر بقاء حالت سابقه

وجود یقین به حدوث و عدم شک در بقاء

عدم وجود یقین به حدوث و شک در بقاء

وجود شک در بقاء و عدم یقین به حدوث

با توجه به اینکه عرف هیچ یک از موارد تدریجی را شیء واحد متصل نمی داند، لذا بیان قائلین به عدم جریان استصحاب در امور تدریجی قابل پذیرش است.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون ۵۰

در بحث استصحاب، مراد از اشیاء «قارّ» و «تدریجی» به ترتیب، چیست؟

توجد و تبقی - توجد و تنعدم بالمرّة

توجد و تفنی بااستمرار - توجد و تبقی

توجد و تبقی - توجد و تفنی بااستمرار

توجد و تفنی بااستمرار - توجد و تنعدم بالمرّة

گزینه صحیح در مورد جریان استصحاب در امور «قارّ» و «تدریجی» به ترتیب، کدام است؟

محل اختلاف است - محل اختلاف است.

اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد - محل اختلاف است.

محل اختلاف است - اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد.

اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد - اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد.

نزد قائلین به عدم جریان استصحاب در امور تدریجی، چه ارکانی از استصحاب فراهم نیست؟

یقین به حدوث، و شک در بقاء

شک در بقاء، و ترتیب اثر بر بقاء حالت سابقه

شک در بقاء، و وحدت قضیه مشکوکه و متیقنه

یقین به حدوث، و وحدت قضیه مشکوکه و متیقنه

دلیل قائلین به عدم جریان استصحاب در امور تدریجی مثل زمان، چیست؟

عدم وجود ترتب اثر بر بقاء حالت سابقه

وجود یقین به حدوث و عدم شک در بقاء

عدم وجود یقین به حدوث و شک در بقاء

وجود شک در بقاء و عدم یقین به حدوث

با توجه به اینکه عرف هیچ یک از موارد تدریجی را شیء واحد متصل نمی داند، لذا بیان قائلین به عدم جریان

استصحاب در امور تدریجی قابل پذیرش است.

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

در صورت علم به ورود فردی در مسجد و شک در خروج او، استصحاب در هر یک از فرد و طبیعی انسان، به ترتیب جاری می شود یا نه؟

جاری می شود - جاری می شود.

جاری می شود - جاری نمی شود.

جاری نمی شود - جاری می شود.

جاری نمی شود - جاری می شود.

در صورت علم به تحقق طبیعی حدث در ضمن حدث اکبر یا حدث اصغر، و شک در بقاء طبیعی حدث بعد از گرفتن وضو، گزینه صحیح در جریان استصحاب کدام است؟

استصحاب، نه در طبیعی و نه در حدث اکبر یا اصغر، جاری نمی شود.

فقط استصحاب طبیعی حدث می شود، نه خصوص حدث اکبر یا اصغر.

استصحاب در طبیعی حدث و نیز در خصوص حدث اکبر جاری می شود.

استصحاب در طبیعی حدث و نیز در خصوص حدث اصغر جاری می شود.

مثال «ما إذا علم بتحقیق کلی الحدث بسبب النوم، و شك فی ارتفاعه بالوضوء» و «ما إذا علم بتحقیق طبیعی الحدث ضمن الحدث الاکبر او الحدث الاصغر، و شك فی بقاء الطبيعي بعد الوضوء» به ترتیب، مثال برای کدام یک از اقسام استصحاب کلی هستند؟

قسم سوم - قسم اول

قسم دوم - قسم سوم

قسم اول - قسم سوم

قسم اول - قسم دوم

قول صحیح در مواردی مانند علم به تحقق طبیعی حدث ضمن حدث اصغر و یقین به ارتفاع آن، و شک در حادث شدن حدث اکبر قبل از آن این است که استصحاب حدث جاری نیست، زیرا متعلق یقین و شک متحد نیستند.

درست

نادرست

فرق استصحاب کلی قسم دوم و قسم سوم، در چیست؟

در قسم دوم، متعلق یقین و شک متحد نیست، اما در قسم سوم متحد است.

در قسم دوم، متعلق یقین و شک متحد است، اما در قسم سوم متحد نیست.

در قسم دوم، اثر بر بقاء حالت سابقه مترتب نیست، اما در قسم سوم مترتب است.

در قسم دوم، اثر بر بقاء حالت سابقه مترتب است، اما در قسم سوم مترتب نیست.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

اگر الآن در اسلام زید شک شود، در صورتی که حالت سابقه «عدم اسلام» یا «اسلام» باشد، به ترتیب چه استصحابی جاری می شود؟

اسلام - اسلام

عدم اسلام - اسلام

اسلام - عدم اسلام

عدم اسلام - عدم اسلام

اگر اسلام زید یقینی بوده و شک شود که آیا صبح اسلام آورده یا بعد از ظهر، در صورت ترتب اثر شرعی بر بقاء کفر او در قبل از ظهر، بدون شک استصحاب عدم اسلام در قبل از ظهر جاری می شود.

درست

نادرست

اگر اسلام زید یقینی بوده و شک شود که آیا صبح اسلام آورده یا بعد از ظهر، در صورت ترتب اثر شرعی بر حدوث اسلام بعد از ظهر، آیا استصحاب حدوث اسلام بعد از ظهر جاری می شود؟

خیر؛ زیرا از جمله موارد اصل مثبت است.

خیر؛ زیرا قضیه متیقنه و مشکوکه متحد نیست.

بله؛ زیرا از افراد استصحاب کلی قسم دوم است.

بله؛ زیرا همه ارکان استصحاب در آن وجود دارد.

در صورت علم به عدم اسلام پدر بالوجدان، اگر جد روز جمعه بمیرد و ندانیم آیا پدر در زمان حیات او اسلام آورده یا نه، و اثر شرعی (ارث بردن نوه از جد) بر ذات عدم اسلام پدر و شک در اسلام او قبل از فوت جد مترتب باشد، چه استصحابی جاری می شود؟

استصحاب تقدم اسلام پدر بر فوت جد

استصحاب ارث بردن پدر از ما ترک جد

استصحاب عدم ارث نوه از ماترک جد خود

استصحاب عدم اسلام پدر قبل از فوت جد

در صورت علم به عدم اسلام پدر بالوجدان، اگر جد روز جمعه بمیرد و ندانیم آیا پدر در زمان حیات او اسلام آورده یا نه، و اثر شرعی (ارث بردن نوه از جد) بر اقتران اسلام پدر و فوت جد مترتب باشد، از آنجا که این اقتران لازمه عقلی عدم اسلام پدر تا مرگ جد است، از موارد اصل مثبت بوده و استصحاب جاری نمی شود.

درست

نادرست

اگر مسلمان بودن پدر در هنگام حیات جد معلوم باشد، و شک شود که آیا پدر هنگام مرگ جد کافر شده یا نه، در صورت «علم به کفر پدر بعد از مرگ جد» یا «عدم علم به کفر پدر بعد از مرگ جد» به ترتیب چه استصحابی جاری می شود؟

استصحاب اسلام پدر تا مرگ جد - استصحاب اسلام پدر تا مرگ جد

استصحاب اسلام پدر تا مرگ جد - استصحاب عدم اسلام پدر در حیات جد

استصحاب عدم اسلام پدر در حیات جد - استصحاب اسلام پدر تا مرگ جد

استصحاب عدم کفر پدر در حیات جد - استصحاب عدم اسلام پدر در حیات جد

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

گزینه صحیح در مورد تعارض دو استصحاب در مجهولی التاريخ، کدام است؟

چنین فرضی امکان وقوعی ندارد.

هر دو حجت بوده و جاری می شوند.

هر دو تعارض کرده و تساقط می کنند.

هر کدام که ترجیح دارد جاری می شود.

در صورت «علم به زمان اسلام پدر، و جهل به زمان موت جد» و «جهل به زمان اسلام پدر، و علم به زمان موت جد» به ترتیب استصحاب در کدام جزء جاری می شود؟

در معلوم التاريخ - در معلوم التاريخ

در معلوم التاريخ - در مجهول التاريخ

در مجهول التاريخ - در معلوم التاريخ

در مجهول التاريخ - در مجهول التاريخ

در صورت معلوم بودن زمان اسلام پدر و مجهول بودن زمان موت جد، چه استصحابی جاری می شود؟

استصحاب عدم موت جد؛ زیرا شک به لحاظ آن محقق می شود.

استصحاب عدم اسلام پدر؛ زیرا ارکان استصحاب در آن تام است.

استصحاب عدم اسلام پدر؛ زیرا شک به لحاظ آن محقق می شود.

هم استصحاب عدم موت جد و هم عدم اسلام پدر؛ زیرا هر دو تعارض می کنند.

برخی بر تفصیل در استصحاب موضوعات مرکبه اشکال کرده و گفته اند: در هر سه صورت، استصحاب هم در مجهول التاريخ و هم در معلوم التاريخ جاری می شود، لذا بین استصحابین تعارض ایجاد شده و تساقط می کنند.

درست

نادرست

چه اشکالی بر قائلین به جریان استصحاب در همه اجزاء موضوعات مرکبه وارد است؟

محل اثر، ملاحظه هر جزء در عمود زمان است، بنابراین استصحاب فقط در معلوم التاريخ جاری می شود.

محل اثر، ملاحظه هر جزء در عمود زمان است، بنابراین استصحاب فقط در مجهول التاريخ جاری می شود.

محل اثر، ملاحظه هر جزء نسبت به جزء دیگر است، بنابراین استصحاب فقط در معلوم التاريخ جاری می شود.

محل اثر، ملاحظه هر جزء نسبت به جزء دیگر است، بنابراین استصحاب فقط در مجهول التاريخ جاری می شود.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در مورد «علم مکلف به طهارت و عارض شدن حدث، و جهل به اینکه کدام سابق بوده» کدام گزینه صحیح است؟

استصحاب طهارت، با استصحاب حدث تعارض کرده و تساقط می کنند.

هر دو استصحاب جاری می شود، و ترجیح با استصحاب موضوعی است.

استصحاب حدث جاری، و استصحاب طهارت به دلیل نبود ارکان، جاری نمی شود.

استصحاب طهارت جاری، و استصحاب حدث به دلیل نبود ارکان، جاری نمی شود.

اگر در جواز شرب آبی که قبلاً طاهر بوده و شرب آن جایز بوده، شک شود، چه استصحابی جاری می شود؟

استصحاب طهارت جاری شده و طهارت ثابت می شود.

استصحاب جواز شرب جاری شده و طهارت ثابت می شود.

استصحاب طهارت جاری شده و جواز شرب ثابت می شود.

استصحاب جواز شرب جاری شده و جواز شرب ثابت می شود.

استصحاب جواز شرب، در صورت شک در جواز شرب آبی که قبلاً طاهر بوده و شرب آن جایز بوده است، استصحاب موضوعی می باشد، زیرا موضع اثری شرعی جواز شرب را منقح می کند.

درست

نادرست

اگر جواز شرب متیقن الحدوث بوده و مشکوک البقاء باشد، چه استصحابی جاری می شود؟

استصحاب طهارت جاری شده و طهارت ثابت می شود.

استصحاب جواز شرب جاری شده و طهارت ثابت می شود.

استصحاب طهارت جاری شده و جواز شرب ثابت می شود.

استصحاب جواز شرب جاری شده و جواز شرب ثابت می شود .
«استصحابی که نظر به اثبات حکمی دارد که به منزله مسبب شرعی موضوع است» و «استصحابی که نظر به اثبات موضوعی دارد که به منزله سبب شرعی حکم است» به ترتیب، چه نام دارد؟

اصل سببی - اصل سببی

اصل سببی - اصل مسببی

اصل مسببی - اصل سببی

اصل مسببی - اصل مسببی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

طبق نظر مصنف (ره) نتیجه اینکه «در بحث اصل سببی و مسببی، اگر اصلی مورد اصل دیگر را احراز کند اما دیگری مورد آن را احراز نکند، اولی بر دومی مقدم می باشد» چیست؟

تقدم اصل سببی بر مسببی

تقدم اصل مسببی بر سببی

اصل بودن سببی و تابع بودن مسببی

اصل بودن مسببی و تابع بودن سببی

طبق نظر مشهور وجه تقدم اصل سببی بر مسببی چیست؟ نکته تقدم بنابر این قول چیست؟

ورود اصل سببی بر مسببی - الغاء شک

حکومت اصل سببی بر مسببی - الغاء شک

ورود اصل سببی بر مسببی - احراز مورد اصل مسببی

حکومت اصل سببی بر مسببی - احراز مورد اصل مسببی

وجه تقدم اصل سببی بر مسببی نزد مصنف (ره)، چیست؟

لأن الأصل السببی لا ینفی بجرایانه الشک المسببی.

لأن الأصل المسببی لا ینفی بجرایانه الشک السببی.

کون السبب یعالج موضوع الآخر قبل أن تصل النوبة الی الغاء الشک .

کون المسبب یعالج موضوع الآخر قبل أن تصل النوبة الی الغاء الشک.

طبق نظر مشهور، دلیل تقدم اصل سببی در صورت «موافقت اصل سببی با مسببی در نتیجه» و «مخالفت اصل سببی با مسببی در نتیجه» به ترتیب، چیست؟

حکومت - حکومت

احراز مورد اصل مسببی - حکومت

حکومت - احراز مورد اصل مسببی

احراز مورد اصل مسببی - احراز مورد اصل مسببی

طبق نظر مشهور، کدام گزینه در مورد اصل سببی و مسببی صحیح است؟

الأصل المسببی یعالج موضوع السببی، دون الآخر.

الأصل السببی یعالج موضوع المسببی، دون الآخر.

الأصل السببی طولی دائما و مترتب علی عدم جریان الاصل المسببی.

الأصل المسببي طولي دائما و مترتب على عدم جريان الاصل السببي .
(كلية حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد)

آزمون

نتیجه تعارض دلیل عقلی با دلیل محرز دیگر در صورت «قطعی بودن دلیل عقلی» و «قطعی نبودن دلیل عقلی» به ترتیب، چیست؟

تقدم دلیل عقلی - تقدم دلیل عقلی

عدم تقدم دلیل عقلی - تقدم دلیل عقلی

تقدم دلیل عقلی - عدم تقدم دلیل عقلی

عدم تقدم دلیل عقلی - عدم تقدم دلیل عقلی

مراد از تعارض دو دلیل شرعی این است که دو دلیل از جهت مدلول خود به گونه ای تنافی کنند که ثبوت هر دو با هم در عالم واقع ممکن نباشد .

درست

نادرست

«نفس التشريع الثابت لموضوعه المقدر الوجود» و «فعلية الحكم بفعلية موضوعه» به ترتیب، بیانگر کدام یک از مراتب حکم شرعی است؟

جعل - جعل

جعل - مجعول

مجعول - جعل

مجعول - مجعول

دلیل شرعی لفظی، متکفل بیان کدام مورد است؟

بیان الجعل دون المجعول

بیان المجعول دون الجعل

بیان الجعل اولاً و بیان المجعول ثانياً

بیان المجعول اولاً و بیان الجعل ثانياً

با توجه به نقش دلیل شرعی لفظی در مراتب حکم شرعی، مدلول آیه «و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً» چیست؟

بیان رابطه استطاعت با وجوب حج

ثبوت تشریح وجوب حج بر مستطیع

ایجاد موضوع وجوب حج، یعنی مستطیع

بیان تابعیت فعلیت وجوب حج بر تحقق استطاعت در خارج

(كلية حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد)

آزمون

«تتافی بین جعل وجوب حج بر مستطیع و جعل حرمت حج بر مستطیع» و «امر به ضدین به صورتی که امر به یکی مقید به ترک دیگری باشد» به ترتیب مثال برای چه صورتی از تتافی حکمین هستند؟

تتافی بین امثالین - تتافی بین جعلین

○ تنافی بین جعلین - تنافی بین امثالین

○ تنافی بین مجعولین - تنافی بین جعلین

○ تنافی بین جعلین - تنافی بین مجعولین

در تنافی دلیلین از جهت مدلول در تعارض ادله شرعی، چه نوع تنافی وجود دارد؟

○ تنافی بین جعلین

○ تنافی بین امثالین

○ تنافی جعل و امثال

○ تنافی بین مجعولین

هریک از «تنافی بین مجعولین» و «تنافی بین امثالین» به ترتیب چه نامیده می شود؟

○ ورود - تراحم

○ ورود - حکومت

○ حکومت - تراحم

○ حکومت - ورود

دو حالت ورود و تراحم، از تعارض بین ادله خارج اند و احکام تعارض بر آن دو بار نمی شود .

○ درست

○ نادرست

تعارض بین «صلّ و لا تصلّ» و «صلّ الجمعة و صلّ الظهر» به ترتیب، چه نوع تعارضی است؟

○ ذاتی - ذاتی

○ ذاتی - عرضی

○ عرضی - ذاتی

○ عرضی - عرضی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

مراد از جمع عرفی این است که در نظر عرف تعارض بین دو دلیل مستقر نباشد، به این معنی که یکی از دو دلیل قرینه بر تفسیر مقصود از دلیل دیگر باشد .

○ درست

○ نادرست

مدرک جمع عرفی چیست؟

○ وقتی دو کلام از متکلم صادر شود، لازم است کلامی که مطلوب عقل است بر دیگری مقدم شود.

○ وقتی دو کلام از متکلم صادر شود، لازم است کلامی که برای تفسیر دیگری آورده، بر دیگری مقدم شود .

○ وقتی دو کلام از متکلم صادر شود، لازم است کلامی که بیشتر با قواعد سازگار است بر دیگری مقدم شود.

○ وقتی دو کلام از متکلم صادر شود، لازم است کلامی که نزد عرف ظهور بیشتری دارد بر دیگری مقدم شود.

نام دیگر جمع عرفی چیست؟

○ تعارض شخصی

○ تعارض غیر مستقر

تعارض بین محمولین

تعارض بین موضوعین

در نظارت «لا ربا بین الوالد و ولده» بر «و حرّم الربا»، متکلم با کلام دوم خود چه چیزی را نفی می کند؟

نفی موضوع الحرمة بقصد النفی الحقیقی

نفی محمول الحرمة بقصد النفی الحقیقی

نفی موضوع الحرمة لا بقصد النفی الحقیقی

نفی محمول الحرمة لا بقصد النفی الحقیقی

لسان نظارت «لا ربا بین الوالد و ولده» بر «و حرّم الربا» و «لا ضرر فی الاسلام» بر «احکام ثابت شده بر موضوعات» به ترتیب چه لسانی است؟

تصرف در موضوع قضیه دیگر - تصرف در محمول قضیه دیگر

تصرف در موضوع قضیه دیگر - تصرف در موضوع قضیه دیگر

تصرف در محمول قضیه دیگر - تصرف در موضوع قضیه دیگر

تصرف در محمول قضیه دیگر - تصرف در محمول قضیه دیگر

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

یصطلح علی الدلیل الناظر لغيره صریحا او بظهوره بالوارد، و علی الآخر بالمورود .

درست

نادرست

تقدم دلیل حاکم بر دلیل محکوم، از چه جهت است؟

بالقرینة، أعمی النظر .

بالاولویة، أعمی التوسعة .

بالاولویة، أعمی التضييق .

بالقرینة، أعمی الاستیلاء .

نتیجه تقدم دلیل حاکم بر محکوم در حکومت «لا ربا بین الوالد و ولده» بر «و حرّم الربا» و «الطواف بالبيت صلاة» بر «لا صلاة الا بطهور» به ترتیب، چیست؟

توسعه - توسعه

توسعه - تضییق

تضییق - توسعه

تضییق - تضییق

فرق حکومت و ورود این است که دلیل وارد موضوع مورود را حقیقتا نفی نمی کند، اما دلیل حاکم موضوع محکوم را حقیقتا نفی می کند .

درست

نادرست

هریک از «تقدم دلیل حاکم بر محکوم»، «تخصیص عام به وسیله خاص» و «تقیید مطلق به وسیله مقید» به ترتیب، مصداق کدام یک از اقسام اعداد در کلام متکلم است؟

شخصی - نوعی - نوعی

○ نوعی - نوعی - شخصی

○ شخصی - نوعی - شخصی

○ نوعی - شخصی - شخصی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

اگر بین دو دلیل امکان جمع عرفی وجود نداشته باشد، در نظر عرف تعارض بین آن دو مستقر می شود .

○ درست

○ نادرست

کدام یک از احتمالات در مورد متعارضین، معقول نیست؟

○ ثبوت حجیت برای یکی به طور معین

○ اسقاط هر دو دلیل متعارض از حجیت

○ ثبوت حجیت برای هر دو دلیل متعارض

○ ثبوت حجیت برای یکی به صورت تخییر

در چه صورتی از تعارض، مکلف نمی تواند رجوع به اصل عملی یا دلیل عامی کند که حکمی غیر از مدلول متعارضین را ثابت می کند؟

○ ثبوت حجیت برای یکی به طور معین

○ اسقاط هر دو دلیل متعارض از حجیت

○ ثبوت حجیت برای یکی به صورت تخییر

○ ثبوت حجیت برای هر دو به شرط عدم التزام به دیگری

با توجه به دلیل حجیت، کدام یک از احتمالات معقول در متعارضین، قابل اثبات است؟

○ اسقاط هر دو دلیل با هم از حجیت

○ جعل حجیت برای یکی بدون تعیین

○ جعل حجیت برای یکی به صورت تخییر

○ اسقاط هر دو دلیل و جعل حجیت تخییری

در چه صورتی می توان مراد از تساقط متعارضین را، در نظر گرفتن متعارضین به صورت غیر موجود دانست؟

○ قول به تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در حجیت

○ قول به تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در اصل وجود

○ قول به عدم تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در حجیت

○ قول به عدم تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در اصل وجود

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون ۶۱

آیا قاعده تساقط در تعارض مستقر بین ادله محرزه، مورد استثناء دارد؟

○ خیر؛ حتی ادله فوقانی.

بله؛ خصوص ادله فوقانی.

خیر؛ حتی روایات متعارض.

بله؛ خصوص روایات متعارض.

مراد از «موافقت روایت راجح با کتاب کریم» و «مخالفت با کتاب که موجب ترجیح روایت موافق است» به ترتیب، چیست؟

عدم وجود روایت معارض - مخالفت به صورت تعارض مستقر

مجرد عدم مخالفت با کتاب - مخالفت به صورت تعارض مستقر

عدم وجود روایت معارض - مخالفت به صورت تعارض غیر مستقر

مجرد عدم مخالفت با کتاب - مخالفت به صورت تعارض غیر مستقر

اگر مخالفت خبر با کتاب به صورت تعارض غیر مستقر باشد و خبر دیگری با آن معارضه نکند، آن خبر حجت بوده و مخصّص کتاب می باشد .

درست

نادرست

نزد مصنف، ترجیح یکی از اخبار متعارض به وسیله مخالفت با اخبار عامه، به ترتیب شامل «مخالفت با اخبارشان» و «مخالفت با آراءشان بدون استناد به اخبار» می شود یا نه؟

شامل است - شامل است

شامل است - شامل نیست

شامل نیست - شامل است

شامل نیست - شامل نیست

از آنجا که نکته ترجیح روایت متعارض به وسیله مخالفت با عامه در واقع بازگشت به تقیه دارد، لذا فقط اختصاص به مخالفت با اخبار دارد و شامل مخالفت با آراء دیگر اهل سنت که از غیر اخبار استفاده شده، نمی شود .

درست

نادرست

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

علماء در این مطلب اتفاق نظر دارند که در صورت تعارض دو خبر و نبودن هیچ یک از مرجحات، نوبت به تساقط هر دو خبر می رسد و راه دیگری وجود ندارد .

درست

نادرست

دلیل قول به قاعده تخییر در تعارض خبرین، چیست؟

دلیل خاص، مانند روایة سماعة

دلیل عام، مانند عموم ادله برائت

دلیل خاص، مانند مقتضای باب تعارض

دلیل عام، مانند عموم حجیت ادله محرزه

قائلین به دلالت «سأنته عن رجل اختلف علیه رجلا... احدهما یأمره بأخذه و الآخر ینهاه عنه، کیف یصنع؟ قال: یرجئه حتی یلقى من یخبره فهو فی سعة حتی یلقاه» بر قاعده تخییر، به چه فرازی از آن استناد کرده اند؟

فهو فی سعة حتی یلقاه؛ به این معنی که تا ملاقات با معصوم به تکلیف قبلی عمل کند.

- فهو فی سعة حتی یلقاه؛ به این معنی که تا ملاقات با معصوم در عمل به یکی مخیر است .
- یرجنه حتی یلقى من یخبره؛ به این معنی که تا ملاقات با معصوم به تکلیف قبلی عمل کند.
- یرجنه حتی یلقى من یخبره؛ به این معنی که تا ملاقات با معصوم در عمل به یکی مخیر است.
- نظر مصنف در مورد دلالت «سألته عن رجل اختلف علیه رجلا... احدهما یأمره بأخذه و الآخر ینهاه عنه، کیف یصنع؟ قال: یرجنه حتی یلقى من یخبره فهو فی سعة حتی یلقاه» بر قاعده تخییر، چیست؟
- آن را نمی پذیرد؛ زیرا اشاره ای به وظیفه فرد تا زمان ملاقات با امام (ع) نکرده است .
- آن را نمی پذیرد؛ زیرا در صورت نبودن این روایت نیز فرد مکلف به تکلیف سابق بود.
- آن را می پذیرد؛ زیرا با جلوگیری از تساقط خبرین، راه را برای تعطیل احکام می بندد.
- آن را می پذیرد؛ زیرا به صراحت تکلیف افراد در زمان غیبت امام (ع) را بیان کرده است.
- مقتضای اطلاق مقامی «سألته عن رجل اختلف علیه رجلا... احدهما یأمره بأخذه و الآخر ینهاه عنه، کیف یصنع؟ قال: یرجنه حتی یلقى من یخبره فهو فی سعة حتی یلقاه» در مورد تکلیف فرد تا ملاقات معصوم (ع)، نزد مصنف چیست؟
- عمل به خبری که زودتر به دست او رسیده است.
- کنار گذاشتن هر دو خبر و رجوع به اصول عملیه.
- عمل به تکلیفی که قبل از وصول متعارضین داشت .
- تخییر بین عمل به هریک از دو خبری که تعارض دارند.
- ((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

آزمون

- در صورت تعارض «برائت شرعی» با «اصالة الاشتغال عقلی» طبق مسلک حق الطاعة، نتیجه چیست؟
- برائت شرعی بر اصالة الاشتغال عقلی ورود دارد .
- اصالة الاشتغال عقلی بر برائت شرعی ورود دارد.
- اصالة الاشتغال عقلی بر برائت شرعی حکومت دارد.
- برائت شرعی بر اصالة الاشتغال عقلی حکومت دارد.
- در صورت تعارض «استصحاب» با «برائت»، کدام مقدم است؟ تقدم آن از چه بابی است؟
- برائت؛ ورود
- برائت؛ حکومت
- استصحاب؛ ورود
- استصحاب؛ حکومت
- در مورد زنی که از حیض پاک شده اما هنوز غسل نکرده است، مقتضای استصحاب؛ حرمت مقاربت، و مقتضای برائت؛ جواز مقاربت است. کدام گزینه در مورد این مسأله صحیح است؟
- استصحاب مقدم است؛ زیرا بر برائت ورود دارد.
- برائت مقدم است؛ زیرا بر استصحاب حاکم است.
- برائت مقدم است؛ زیرا ظهور عرفی بیشتری دارد.
- استصحاب مقدم است، زیرا بر برائت حاکم است .
- یکی از ادله تقدم برائت بر استصحاب این است که در ماده اجتماع، دلیل برائت ظهور عرفی بیشتری نسبت به دلیل استصحاب دارد .
- درست

نادرست

هنگام تعارض بین استصحاب سببی با مسببی، طبق نظر شیخ اعظم (ره) کدام مقدم است؟ دلیل آن چیست؟

استصحاب سببی؛ ورود

استصحاب مسببی؛ ورود

استصحاب سببی؛ حکومت

استصحاب مسببی؛ حکومت

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

آزمون

در صورت تعارض «دلیل محرز قطعی» با «اصل عملی مخالف با آن» کدام مقدم است؟ تقدم آن از چه بابی است؟

اصل عملی؛ ورود

اصل عملی؛ حکومت

دلیل محرز قطعی؛ ورود

دلیل محرز قطعی؛ حکومت

گزینه صحیح در مورد تعارض «دلیل محرز غیر قطعی» با «اصل عملی مخالف با آن» کدام است؟

قطعا اصل عملی مقدم است.

هر دو تعارض کرده و تساقط می کنند.

قطعا دلیل محرز غیر قطعی مقدم است.

گاهی دلیل محرز غیر قطعی، و گاهی اصل عملی مقدم است.

اگر دلیل محرز غیر قطعی با اصل عملی مخالف با آن تعارض کند، با توجه به اینکه دلیل محرز، موضوع اصل را که شک است حقیقتا از بین می برد، شکی نیست که تعارض کرده و تساقط می کنند.

درست

نادرست

با توجه به اینکه مراد از عدم علم در موضوع اصل عملی، عدم حجت بر حکم شرعی واقعی است، و اینکه دلیل اماره آن را حجت قرار می دهد، روشن است که در موارد تعارض دلیل محرز غیر قطعی با اصل عملی مخالف با آن، دلیل محرز به دلیل ظهور بیشتر، مقدم است.

درست

نادرست

با توجه به اینکه «در موضوع دلیل اصل عملی عدم العلم بما هو عدم العلم اخذ شده، و دلیل حجیت اماره غیر قطعی آن را نازل منزله علم شرعی قرار داده و موضوع اصل را تعبدا از بین می برد» در صورت تعارض «دلیل محرز غیر قطعی» با «اصل مخالف با آن» کدام مقدم است؟ تقدم آن از چه باب است؟

الف اصل عملی؛ ورود

اصل عملی؛ حکومت

دلیل محرز غیر قطعی؛ ورود

دلیل محرز غیر قطعی؛ حکومت

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))